



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

انترناسیونال ۵۰۱

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت hekmat.public-archive.net

جمعه ۳۰ فروردین ۱۳۹۲، ۱۹ آپریل ۲۰۱۳ - ۱۸ صفحه

زلزله کابوس همیشگی در کشور امام زمان!



بهر روز مهرآبادی زلزله در سراوان صفحه ۳

اگر خاتمی بیاید!



چون جراتش را ندارد. چون امیدی به حفظ نظام اسلامی ندارد. چون اوضاع حکومت را در هم ریخته تر از آن میداند که بشود کاری کرد. چون در برابر مردم میلیونی سرنگونی طلب این بار مطلقاً کاری از دستش بر نمی آید. چون پیروان نادانش را که انتظاراتی غیر واقعی را بارش میکنند میشناسد. چون سال ۸۸ و تظاهراتهای میلیونی را دیده است. چون تنها آرزوی اینست که شاید همین سیاست سرکوب و کهریزک و زندان و بگیر و ببند چند صباحی بیشتر کارایی داشته باشد. چون ...

خاتمی نمی آید. خیال همه طرفدارانش تخت باشد. دو خردادبها و اکثریتی - توده ای ها و خیل خیرخواهان مضطرب نظام اسلامی که هر لحظه آرزوی کاندید شدن خاتمی را میکنند، باید دور او را خط بکشند. خاتمی نمی آید،

کاظم نیکخواه صفحه ۲

روز جهانی کارگر و جهانی نوین

شهلا دانشفر صفحه ۴

صفحه زن آزاد

فرح صبری - مریم تقی نژاد صفحه ۱۱-۱۰

سیاست ضد انسانی جمهوری اسلامی علیه مهاجران افغانستانی ادامه دارد

محمد شکوهی صفحه ۶

به زنان سرخپوش مریوان

مینا احدی صفحه ۹

بیانیه اعلام موجودیت

از نظر همه مذاهب، اسلام و حکومت های اسلامی زنان منبع فتنه تلقی میشوند .

صفحه ۱۲

بحران در شبه جزیره کره! دعوا بر سر چیست؟

محسن ابراهیمی صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اگر خاتمی بیاید!

کاظم نیکفواه

"اگر خاتمی بیاید" چنین و چنان میشود، تکیه کلام خیلی از دوزخدادیهای سابق و دلسوختگان نظام اسلامی و اکثریتی توده ای هاست. حتی برخی "اصول گرایان" سابق هم این روزها خاتمی چی شده اند. اما خاتمی خودش میدانند که در برابر اوضاع موجود ناتوان است و مدام انصراف میدهد و میگوید دست از سر من بردارید. بارها گفته است که مدافع جدی نظام اسلامی است و از ولی فقیه و خامنه ای عمیقا حمایت میکند. و نکته جالب همینجاست که با کمی دقت میتوان متوجه شد که طیف به اصطلاح اصلاح طلبان هم از سر "اصلاح طلبی" نیست که خاتمی را میطلبند. و گرنه میبایست سفت و سخت طرفدار احمدی نژاد میشدند که اکنون صد برابر خاتمی، "اصلاح طلب" شده است و راه حفظ نظام را کنترل ولی فقیه و آخوند و مخلوط کردن اسلام و امام زمان با چاشنی ایرانی گری و شاهان و کوروش و بهار و طبیعت و امثال اینها میداند. که این راه حل هم آشکارا به اندازه خود شخص احمدی نژاد و مشایبی مضحک و مسخره است. مساله دو خردادیها و شرکا دقیقا حفظ کیان اسلام و ولی فقیه است و خاتمی را کسی میدانند که میتواند یا شاید بتواند در این اوضاع خطیر نیروهای گریز از مرکز حکومت را رام کند و شکافهای درون نظام را به درجه ای به هم آورد و خامنه ای را از انزوا بدر آورد. آنها فکر میکنند اکنون خاتمی در وضعیتی است که بیش از خامنه ای مورد اعتماد جناحهای حکومت است و میتواند نظام اسلامی و خود ولی فقیه را نجات دهد. و در عین حال این رانده شدگان از حکومت را نیز به نان و نوایی برساند.

از هر زاویه ای که نگاه کنید نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری اسلامی جدا از جنبه های سیاسی یک شوی تماشایی است. بندبازی ای که سران حکومت باید بکنند تا این نمایش را شاید بی بلا از سر بگذرانند واقعا مضحک است. چندماه مانده به "انتخابات" وحشت سراپایشان را میگیرد. نیرو بسیج میکنند. تهدید میکنند که اجازه "فتنه" نمیدهیم. ارادیشان را آماده باش میدهند. مانور میگذارند. دستگیر میکنند. و همه کس می بیند که اینها چقدر ترس وجودشان را فزاینده است. و همه کس میدانند که از مردمی میترسند که این انتخابات کذایی را یک بار برسرشان خراب کرده اند و منتظر فرصتند که باز پا به میدان بگذارند.

قرار بوده است یک نمایش راه بیندازند و صندوق رای بگذارند و یک مضحکه را انتخابات جا بزنند. اما این بازی مسخره خودش به دردسر و خطری بزرگ تبدیل شده است. خامنه ای سال گذشته مزمره کرد و به نحوی گفت که انتخابات رییس جمهوری حذف شود و مجلس رییس جمهور را انتخاب کند. اما جرات پیاده کردنش را پیدا نکرد. آخر حکومتش در وضعیتی است که باید همه آهسته بروند و آهسته بیایند که "گربه شاخشان نزنند". هر تغییری در این سطح میتواند باندهای حکومتی را بیشتر به جان هم بیندازد و به مردم فرصت شورش بدهد. مسجری انتخابات بنا به قوانین جمهوری اسلامی وزارت کشور بوده است که در دست احمدی نژاد است. سال گذشته مجلس اسلامی اصلاحاتی در این قانون وارد کرد و اختیارات وزارت کشور بعنوان تنها مرجع برگزار کننده انتخابات را محدود کرد. حتی با توجه به تجربه سال ۸۸ این را در قانون وارد کردند که تبلیغات تلویزیونی انتخاباتی "در

صورتی که به نظام لطمه وارد کند" قابل سانسور است و میتواند پخش نشود! اما هنوز مرجع اجرایی انتخابات وزارت کشور است و این مساله ای دردسر ساز است. حدود دوماه بیشتر به مراسم انتخابات حکومتی نمانده است. هنوز نفس روال و قانون انتخابات روی هوا است و کاندیدایی که حتی یک جناح بر سر آن توافق داشته باشد معرفی نشده است. از جناح "اصول گرایان" چندین نفر پا پیش گذاشته اند اما کسی آنها را جدی نگرفته است. حتی آخوند سعیدی یزدی سخنگوی خامنه ای در سپاه پاسداران با تحقیر کاندیداهای موجود میگوید "بزرگان اصولگرایان توافق کنند و بجای چندین نفر یک کاندید مورد قبول معرفی کنند". هاشمی رفسنجانی نیز که بعنوان یکی از کاندیداهای مطرح بود سه روز پیش مطرح کرد که کاندید نمیشود زیرا خامنه ای به او اعتماد ندارد. بعدا دفترش این خبر را تکذیب کرد.

روشن است که خامنه ای نه به رفسنجانی اعتماد دارد و نه به هیچ کس دیگری از اطرافیانش. اما فکر میکنم در شرایط ناجور کنونی بشدت نیاز دارد که کسی نظیر هاشمی یا حتی خاتمی بیاید و او را از بن بست و مهلکه نجات دهد. این دو هم مدام دارند زورشان را میزنند، بر نقش رهبری تاکید میکنند، علیه باند احمدی نژاد سخن میگویند تا بلکه جمهوری اسلامی از این پیچ هم بگذرد. اما حاضر نیستند حاشیه نسبتا امن خود را در خارج حکومت رها کنند و خود را به طوفانی که در راه است بسپارند. بنابر این باید مطمئن بود که نه هاشمی و نه خاتمی هیچکدام در این برهه از زمان پا پیش نخواهند گذاشت.

هرکس که در این مقطع پا پیش بگذارد و "مرغ طوفان" شود سرنوشت شومی در انتظارش

خواهد بود. زیرا جمهوری اسلامی حتی اگر مضحکه انتخاباتش را رد کند از شر بحران و جنگ و نزاع و فلج اقتصادی کامل نمیتواند خود را خلاص کند. این وضعیتی است که مدام احتمال شورش و انقلاب مردم را بالای سر حکومت نگه داشته است. و این وضعیتی است که حتی نمایش انتخاباتی حکومت را به چنین کابوسی

ساعات پخش برنامه های کانال جدید افزایش یافت!

پخش برنامه های تلویزیون کانال جدید از چهارشنبه ۲ اسفند ۱۳۹۱ برابر با ۲۰ فوریه، به ۴ ساعت در روز افزایش یافت.

کانال جدید هر روز هفته، از ساعت ۱۰ و نیم تا ۱ و نیم شب بوقت ایران (۷ تا ۱۰ شب به وقت اروپای مرکزی) و ۶ و نیم تا ۷ و نیم عصر به وقت ایران (۳ تا ۴ عصر به وقت اروپای مرکزی) پخش میشود. کانال جدید همه روزه برنامه پخش مستقیم دارد. با برنامه پخش مستقیم تماس بگیرید! فرکانس و ساعات پخش کانال جدید را به اطلاع دیگران برسانید!

به کانال جدید کمک مالی کنید! یاری کنید تا ساعات پخش را باز هم افزایش دهیم!

کانال جدید:

شبکه کورد کانال kurd channel

هاتبرد ۸

ترانسپوندر ۱۵۵

فرکانس ۱۱۶۴۲

افقی، سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۶/۵

<http://www.newchannel.tv/>
nctv.tamas@gmail.com

شماره حساب:

England
Account nr: 45 47 79 81
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 4779 81
BIC: NWBK GB 2L

زلزله کابوس همیشگی در کشور امام زمان!



بهروز مهربادی

سه شنبه ۲۰ فروردین زلزله در بوشهر، سه شنبه ۲۷ فروردین زلزله در مناطق جنوب شرقی ایران و شهرهای خاش و سراوان، چهارشنبه ۲۸ فروردین زلزله در تسوج در استان آذربایجان شرقی. آمار دولتی تعداد کشته شدگان زلزله بوشهر را نزدیک به ۴۰ نفر و تعداد مجروحان را در حدود ۱۰۰۰ نفر اعلام می کند، خبرگزاری های مختلف تعداد قربانیان زلزله سراوان و خاش بین یک تا چهل نفر گزارش کرده اند. گفته می شود بر اثر زلزله تسوج تعدادی از منازل آسیب دیده و چند نفر مجروح شده اند.

به اخبار و آمار اعلام شده از طرف جمهوری اسلامی در مورد صدمات وارده به مردم پس از وقوع این زلزله ها نمی شود اطمینان کرد. زلزله سراوان و خاش شدیدترین زلزله ایران در چهل سال اخیر گزارش شده است و منطقه بسیار وسیعی از قطر گرفته تا بخش های مرکزی پاکستان را تکان داده است. اما گزارش شده که بخاطر قرار داشتن مرکز زلزله در عمق ۱۱۵ کیلومتری زمین و کم جمعیت بودن منطقه تعداد قربانیان این زلزله کم بوده است.

اکبرپور معاون سازمان مدیریت بحران جمهوری اسلامی در یک مصاحبه تلویزیونی درباره این زلزله گفت: "چون کشور کشور آقا امام زمان است و ایام ایام فاطمیه، ما زلزله ۷،۷ ریشتری رو با کمترین خسارت تجربه کردیم." میزان وقاحت آخوندی را از همین جمله می

توان دریافت. احتمالاً در هنگام وقوع زلزله در سال ۹۱ و یا زلزله رودبار در سال ۶۹ که هزاران کشته و ده ها هزار نفر را مجروح و بیخانمان کرد امام زمان در مرخصی تشریف داشته اند. پس از هر زلزله مکالمات تلفنی منطقه قطع و امکان مردم زلزله زده با مردم سایر نقاط از بین می رود. این را نمی شود در همه موارد یا ناشی از صدمات زمین لرزه دانست. قطع ارتباطات تلفنی اگر از کرامات امام زمان نباشد، بدون شك محصول کار نیروهای امنیتی است که همراه با نیروهای نظامی و امنیتی در منطقه مستقر میشوند و مانع هر گونه کمک رسانی گروههای مردمی شده و گروههای امداد را دستگیر کرده و زندانی می کنند. جمهوری اسلامی وحشت خود را از هر گونه ابراز همبستگی و همدلی در میان مردم نشان می دهد. گسترش ارتباطات میان مردم خطر بزرگی برای موجودیت حکومت اسلامی است.

بخش های بزرگی از ایران روی گسل های زلزله قرار گرفته است. خطر زمین لرزه هر لحظه گوشه ای از کشور را تهدید می کند. در نیم قرن اخیر دهها زلزله بزرگ و کوچک رخ داده که دهها هزار نفر در آن جان باخته اند و صدها هزار نفر مجروح و بیخانمان شده اند. زلزله های بوئین زهرا، کاخک، طبس و بم از آن جمله اند.

خسارات زلزله متوجه فقیرترین و زحمتکش ترین مردمان می شود. در شهرهای کوچک و روستا ها خانه های خشت و گلی، ساختمان هایی که بدون در نظر گرفتن کوچکترین استانداردهای ایمنی ساخته شده اند، قبل از همه بر سر ساکنان آن خراب می شوند. اما بروز زلزله در تهران و شهرهای بزرگ نیز یک کابوس دائمی ساکنان این شهرها است. حرص و آز سیری ناپذیر سرمایه داران و خیل بساز بفروش ها این شهرها را بصورت تله مرگ در آورده است.

دستگاه تا مغز استخوان فاسد اداری و رشوه خواری گسترده در جمهوری اسلامی جای رعایت کمترین اصول ایمنی در ساختمان سازی را باقی نگذاشته است. نظام شهر سازی هم بر اساس مطامع کوتاه مدت و تنگ نظران و حریصانه سرمایه داری اسلامی شکل گرفته و کمترین جای گریزی برای فرار از سوانح طبیعی همچون زلزله باقی نگذاشته است. تراکم فوق العاده جمعیت در مراکز بسیار محدود، ساختمان های غول آسایی که با مصالح ارزان و نامرغوب و بدون هیچ کنترل و ضابطه ای ساخته شده، خیابان ها و کوچه های باریک و با امکان تردد بسیار محدود، شبکه های انتقال قدیمی، بدون کیفیت و بسیار خطرناک و نامطمئن انتقال گاز، برق

و آب و فاضلاب و عدم وجود امکانات امداد رسانی در این شهرها، می تواند ابعاد فاجعه آمیز هر زمین لرزه کوچک و یا سوانح دیگر را صدها برابر کند.

پس از گذشت ده سال از زمین لرزه بم هنوز خانه های زلزله زدگان بطور کامل بازسازی نشده است. در حالی که اخبار دزدی های و چپاول های هزار میلیاردی سران جمهوری اسلامی منتشر میشود، هزاران مدرسه از نظر ایمنی و بهداشت غیر قابل استفاده تشخیص داده شده اند. در آمد های رسماً اعلام شده یک سال ولی فقیه بیشتر از هزینه ساختن صدها بیمارستان و ساختن صدها هزار واحد مسکونی مناسب زندگی، است. هزینه نیروهای نظامی، امنیتی و اوباش مسلح آشکار و پنهان رژیم برای بازسازی و ایمن سازی بیشتر شهرهای ایران کفایت می کند. با بکار گرفتن تکنیک های

مدن ساختمان سازی و با بکار بردن ضوابط ایمنی می توان صدمات وارده از زمین لرزه را دهها برابر کاهش داد. این تجربیات در بسیاری از کشورهای زلزله خیز بکار گرفته شده است.

اما تا زمانی که زندگی مردم در گرو میزان سود سرمایه داران است، تا زمانی که باند های مختلف مافیائی اسلامی در کمین حمله به کمترین دسترنج مردم هستند، تا زمانی که آقا امام زمان و نواب او بر زندگی بیش از ۷۰ میلیون نفر پنجه انداخته اند، انتظار برطرف شدن کابوس زلزله را نمی توان داشت. زمین لرزه یک سانحه طبیعی است، اما میزان خسارات و صدمات آن مستقیماً به روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بستگی دارد. برای از بین بردن کابوس زلزله باید این روابط را تغییر بنیادی داد.

دعوت به راهپیمایی در شهر کلن آلمان

روز جهانی اعتراض به ختنه کودکان دختر و پسر

اعتراضی است و مینا احدی یکی از این سخنرانان این میتینگ بزرگ است. کلن مقابل دادگاه مرکزی شهر کلن ساعت ۱۱ صبح
Luxemburger Straße
101, 50939 Köln
راهپیمایی بطرف رونخالی پلاتز از همه مدافعین حقوق کودکان دعوت میکنیم در این راهپیمایی بزرگ با ما همراه شوند. شورای مرکزی اکس مسلم - آلمان ۱۶ آوریل ۲۰۱۳

را بعنوان روش تربیتی و یا تعلق مذهبی به خورد جامعه بدهد. پارلمان آلمان در روز ۱۲ دسامبر در کنار سازمانهای مذهبی قرار گرفت و علیه حق کودکان تصمیم گرفت. ختنه کودکان پسر قانونی اعلام شد. و از تعرض به جسم کودکان پسر و زخمی کردن کودکان بعنوان روش تربیتی و یا روش پیوستن به یک گروه مذهبی عملاً دفاع شد. علیه این تصمیم دولت آلمان ما اعتراض میکنیم هفت ماهه روز جهانی اعتراض به ختنه کودکان است.

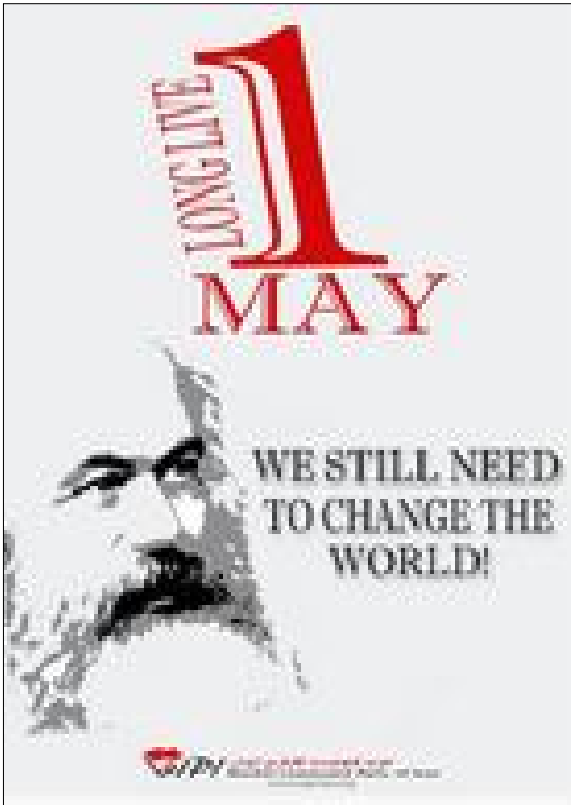
با ما همراه شوید. این فراخوان از سوی سازمانهای متعددی اعلام شده و سخنرانان زیادی در این میتینگ بزرگ در دفاع از حقوق کودکان صحبت خواهند کرد. شورای مرکزی اکس مسلم یکی از مدافعین این حرکت

روز هفت ماه مه سال ۲۰۱۲ یک دادگاه در شهر کلن آلمان ختنه کودکان پسر را جرم اعلام کرد و گفت: ختنه کودکان پسر یک تعرض آشکار به جسم کودک است و باید ممنوع شود. این حکم دادگاه کلن که طبق قوانین آلمان باید در همه جا اجرا شود، موجی از بحث و جدل و در عین حال مقاومت را از سوی سازمانهای مذهبی یهودی و اسلامی دامن زد. جنبش بزرگی در عین حال در دفاع از حق کودکان در آلمان و در کشورهای مختلف به راه افتاد و این جنبش هنوز ادامه دارد.

همه کودکان مستقل از محل تولد و یا مذهب و جنسیت باید از تعرض به جسم و روحشان مصون نگه داشته شوند. کودکان در آلمان حق دارند که بدون خشونت بزرگ شده و زندگی کنند و هیچ کس مجاز نیست خشونت علیه کودکان



روز جهانی کارگر و جهانی نوین



شهلا دانشفر

در شرایطی به استقبال اول مه میرویم که جنبشی جهانی علیه سرمایه داری و نظم موجود هر روز قدرتمند تر به جلو می آید. جنبشی که خود را متعلق به ۹۹ درصد مردم جهان خواند و زمزمه هایش را در ایران نیز از زبان کارگران شنیدیم. همچنین در شرایطی به استقبال اول مه روز جهانی کارگر میرویم که شاهد عرض اندام بیشتر کارگران در کشورهای مختلف جهان از جمله مصر، تونس، ایتالیا، یونان، فرانسه، اسپانیا و غیره هستیم. سال گذشته سال گسترده تر شدن اعتراضات کارگری در همه این کشورها و بسیاری کشورهای دیگر بود.

در ایران نیز یک عرصه دائمی نبرد با رژیم اسلامی جنبش کارگری است. کارگران را می بینیم که با خواستههای تعرضی تر و سیاسی تری دارند به جلو گام برمیدارند. می بینیم که بطور واقعی جنبش کارگری خصوصا بعد از سرکوب خیزش انقلابی مردم در سال ۸۸ نقش مهمی در فعال نگاهداشتن فضای سیاسی جامعه داشته و دارد. به همین اعتبار جنبش کارگری وزن سنگینی در سیر تحولات سیاسی

جامعه پیدا کرده است و جلو آمدن هر روز بیشترش افق و راه حل های بورژوازی را کمرنگ تر و شانس بیشتری به ایفای نقش طبقه کارگر در پیشاپیش مبارزات کل مردم داده است.

خصوصا در ایران از شرایطی سخن میگویم که فقر و فلاکت زندگی و معیشت کل جامعه را به تباهی کشانده است و مردم تسلیم این اوضاع نشده و بدنبال راه حلی برای خلاصی از این جهنم هستند. رژیم اسلامی نیز این وضعیت را میبیند و از صدای گامهای هر چند آرام ولی قدرتمند طبقه کارگر و جامعه ای که بخاطر فقر و محرومیت بیکرانیش به حد انفجار رسیده است، به وحشت افتاده است. و در این اوضاع صفوف حاکمین هم بهم ریخته و نزاعهای درونی حکومت به جایی رسیده است که حتی گذران یک نمایش انتخاباتی بیخطر برایشان به یک آرزو تبدیل شده است.

در چنین وضعیتی در ایران روز جهانی کارگر میتواند یک روز بزرگ قدرتمندی کارگران در صحنه سیاسی جامعه باشد. کارگران میتوانند با به دست گرفتن پرچم اعتراض علیه فقر و گرانی پرچمدار خواستههای کل جامعه باشند. در چنین شرایطی است که روز جهانی کار فرا میرسد و باید قدرتمند و متحد به استقبالش رفت.

یک موضوع داغ اعتراض کارگران و کل جامعه در اول مه امسال در ایران، اعتراض علیه فقر و گرانی و دستمزدهای چندین بار زیر خط فقر است. در یکساله اخیر خصوصا کارگران گامهای مهمی در این عرصه از مبارزه به جلو برداشته و عملا جنبشی علیه

به هر شکلی که میتوانیم در سطحی سراسری این روز را به روز تجمعات اعتراضی گسترده خود تبدیل کنیم. در این روز میتوانیم با در دست داشتن پلاکاردهایمان مقابل مراجع قدرت رژیم اسلامی، مقابل مجلس اسلامی و وزارت کار و غیره و میادین اصلی در تهران و در همه شهرها را به اشغال خود در آوریم. برپایی تجمعات اعتراضی بزرگ در روز جهانی کارگری یک شکل موثر برای ابراز وجود قدرتمند کارگران و کل جامعه در تمام شهرهاست.

از هم اکنون در تدارک یک اول مه بزرگ و باشکوه باشیم. از هر طریق که میتوانیم یکدیگر را در سطح شهر و در همه محلات از چنین اتفاق مهمی با خبر کنیم و زن و مرد، پیر و جوان وسیعا به استقبال روز جهانی کارگر برویم. از همه جا با رنگ اعتراضانم زنده باد اول مه روز جهانی کارگر

موضوعات و تدارک وسیع برای اول مه در مجامع عمومی کارگری و آماده کردن صف اعتراض خود برای قدرتمندی بزرگ در روز جهانی کارگر، بردن گفتمان اعتصاب سراسری در اعتراض به دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و علیه تصمیم جنایتکارانه رژیم اسلامی مبنی بر تعیین ۴۸۷ هزار تومان بعنوان حداقل دستمزدها، همه و همه گامهای مهم و عملی در تدارک یک اول مه بزرگ و باشکوه است.

از هم اکنون در تدارک یک اول مه بزرگ و باشکوه باشیم. از هر طریق که میتوانیم یکدیگر را در سطح شهر و در همه محلات از چنین اتفاق مهمی با خبر کنیم و زن و مرد، پیر و جوان وسیعا به استقبال روز جهانی کارگر برویم. از همه جا با رنگ اعتراضانم زنده باد اول مه روز جهانی کارگر

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

بحران در شبه جزیره کره! دعوا بر سر چیست؟



محسن ابراهیمی

مهم نیست که کدام طرف رجزخوانی را آغاز کرده است؛ وارث تاج و تخت خاندان "کیم" در کره شمالی که علنا طرف مقابل را به حمله با سلاح اتمی تهدید میکند و یا سیاستمداران کشوری که ننگ اولین حمله اتمی به متحد امروزش یعنی ژاپن را زیر بغل دارد و همین هفته گذشته بمب افکنهای قادر به حمل سلاح اتمی اش را در آسمان این شبه جزیره به پرواز در آورده است. مهم نیست که از یکطرف پس مانده کیم جانگ ایل به عنوان فرمانده کل قوای زورکی با حرکات و سکناتش مایه تفریح و اکراه جهانیان میشود و از طرف مقابل دیپلماتهای کارکشته در انتظار عموم همه قواعد بازی دیپلماتیک را آنچنان به جای می آورند که انگار از شکم مادر مثل کبوتران صلح زاده شده اند. مهم اهداف سیاسی پشت این ظواهر است. مهم این است که دود تهدیدات اتمی حتی اگر هیچ بمبی هم منفجر نشود به چشم مردمی می رود که هیچ نفعی در چنین تنشهای مالیخولیایی ندارند.

اهداف کره شمالی

۱ - وجه داخلی
نمی توان یک جمعیت ۲۴ میلیونی را آنهم در عصر اینترنت و انقلابات جهانی همچنان هم گرسنگی داد و هم ساکت و سربزیر نگه داشت. این جامعه هم دیر یا زود منفجر میشود. قطب

شوروی هم که دیگر نیست تا از ثروت عظیم تولید شده توسط یک طبقه کارگر وسیع در یک سرمایه داری دولتی، سوبسید نگهداری دولتهایی را تامین کند که در مناطق مختلف جهان نقش نوچه های سیاسی اش در مقابل اردوگاه مقابل را بازی میکردند.

البت سیاسی حاکم در کره شمالی که دهها سال است به نام حزب کارگر هستی توده های گرسنه را به یغما برده اند همین خطر را حس میکنند و باید کاری بکنند. یک رهبر کبیر تازه بدوران رسیده، یک جمعیت مغزشویی شده ذوب شده در این رهبر، یک نظام کاملا بسته سیاسی و یک ارتش و دستگاه امنیتی همه آن ابزارهایی هستند که بزعم ژنرالهای کشور ممکن است بتوانند مانع تغییر اوضاع تا اطلاع ثانوی شوند.

اینجاست که حدادی یک مالیخولیای ۲۹ ساله از تخم و ترکه خاندان کیم که یکدفعه در گوشش خوانده اند تو رهبر کبیر هستی و انداختن چنین موجودی به توده های درهم کوفته فقیر به عنوان رهبری قدرتمند، یکباره به دستور هیئت حاکمه کره شمالی رانده میشود. رسیدن به چنین هدف خارق العاده ای فقط با ابزارهای خارق العاده دست یافتنی است. تهدید علنی کشتار دسته جمعی در خود خاک آمریکا آنهم با سلاح مخوف هسته ای میتواند چنین نقشی را ایفا کند. فقط با یک چنین کاری ممکن است بتوان یک جوان بی خبر از همه جا را که یکباره مجبور شده است مثل فرمانده کل قوا ظاهر شود، در چشم توده های بی خبر از همه جا به پیشوای قدرتمندی تبدیل کرد! والا شاید کمتر کسی شک داشته باشد که حتی اگر ارتش بیش از یک میلیونی کره شمالی چهار برابر هم بشود، چهار روز هم در مقابل نیروی نظامی رقیب دوام نمی آورد.

مگر روشن نیست که حریفش نه در تکنولوژی و نه در اراده آدمشکی آنجا که پای منافع "ملی" در میان است خود سرآمد جهانیان است؟

۲ - خاصیت بین المللی

مذاکرات مربوط به پروژه های هسته ای کره شمالی مدتهاست تعطیل شده است. کره منزوی از جهان با اقتصاد در هم شکسته و مردمی گرسنه، کره ای که متحدين سیاسی سابقش یعنی شوروی و چین خود در باشگاه سرمایه داری بازار آزاد جزو بازیکنان اصلی شده اند، ناکزیر است پای میز مذاکره برگردد. تهدید اتمی هم فشاری برای آغاز مذاکره است و هم اهرمی است برای امتیاز گیری در مذاکرات آتی.

واکنش آمریکا

میدانیم که مشکل آمریکا خود سلاح هسته ای نیست. اگر اینچنین بود قاعدتا باید فکری به حال زراد خانه عظیم سلاح هسته ای خود میکرد. بگذریم از این که سلاح هسته ای حتی در دست متحدان استراتژیک آمریکا هم هرگز وجدان هسته ای سیاستمداران آمریکا را جریحه دار نکرده است. مشکل آمریکا این است که بازمانده ای از اردوگاه سابق رقیب، در یک منطقه استراتژیک هم از نظر اقتصادی و هم از نظر سیاسی، بیخ گوش متحد استراتژیک آمریکا (کره جنوبی و ژاپن) و رقیب اقتصادیش (چین)، با اتکا به ظرفیتهای اتمیش سوی دماغ شده است و همین اخیرا هم چندمین بمب اتمش را آزمایش کرده است. و مضاف بر اینها، این بازمانده متحد جمهوری اسلامی هم هست که در حال حاضر آمریکا و غرب میخواهند - اگر شد با تعدیل و رام کردنش - وادار کنند با قواعد آمریکا و غرب در منطقه بازی کند. بی دلیل نیست که به نظر

میرسد آمریکا از لفاظیهای اتمی کره شمالی خیلی هم ناراضی نیست. انگار به هیاهوی اتمی رهبران کره مثل یک وعده آسمانی نگاه میکند. دیپلماسی فعال وزیر خارجه آمریکا در منطقه همراه با جابجاییهای ناوهای جنگی و ارتقای سیستم دفاع موشکی در ساحل ژاپن و اعلام مکرر قدرت مقابله با این تهدیدات همه حاکی این است که:

اولا، بهانه ای برای حضور قدرتمند نظامی آمریکا بیخ گوش چین که همچنان در حال تبدیل شدن به ابرقدرت اقتصادی است فراهم شده است. ثانيا، تا آنجا که به جمهوری اسلامی مربوط است شرایطی برای آمریکا فراهم شده است که به در بگوید تا دیوار بشنود.

آمریکا، البته با یاری چین اگر بتواند توخالی بودن این هیاهو را ثابت کند، یک ضرب شصت دیپلماتیک در مقابل جمهوری اسلامی نشان داده است. هر چقدر معلوم شود که کره شمالی بلوف میزده است و یا زیر فشار آمریکا و همکاری چین، کره شمالی مجبور شود کوتاه بیاید، موقعیت جمهوری اسلامی در مذاکرات هسته ای تضعیف میشود.

مسعود جزایری معاون فرماندهی ستاد کل ارتش حرف دل سران حکومت اسلامی را منعکس کرد وقتی گفت: "ما با کره شمالی در مقابل آمریکا ایستاده و از آن دفاع می کنیم". این ادعا هر چقدر هم پوچ باشد، نیاز سیاسی جمهوری اسلامی به سرشکسته در نیامدن کره شمالی از این تنشها را برملا میکند.

موقعیت چین این وسط چیست؟

چین در قبال وضعیت کره شمالی در موقعیتی سراپا تناقض و ابهام قرار دارد. از یکطرف کره

شمالی نقش لولو خورخوره برای امتیاز گیری چین از غرب را بازی میکند و از طرف دیگر به حضور نظامی گسترده آمریکا در منطقه بهانه فراهم میکند. از یکطرف ۸۰ درصد سوخت کره را چین تامین میکند و حفظ این وصله ناجور در منطقه از این نظر به نفعش است و از طرف دیگر کره شمالی درست در اوج شکوفایی سرمایه داری چین و نیاز به تصویر دراز مدت امن از منطقه، این تصویر را خدشه دار میکند. از یکطرف متحد سیاسی چین است و از طرف دیگر اگر ثبات سیاسی اش به هم بخورد ممکن است جایش را یک حکومت رسما طرفدار آمریکا و غرب پر کند. در نهایت آن فاکتوری که نقش تعیین کننده در موضع چین خواهد داشت اهداف و منافع استراتژیک تر طبقه حاکم نوپای سرمایه داری چین است حتی اگر کیم جان اونگ این وسط قربانی شود.

نمی توان پیش بینی کرد که ائتلاف ارتش و امنیتیها و بوروکراتهای مرفه حزبی تا کی در قالب تفاله های فاسدان خاندان کیم بر گرده توده های تهدیدست کره شمالی حکومت خواهند کرد، اما یک چیز روشن است: این ائتلاف حکومتی و این نظام بسته سیاسی - که از طرف حکومت فاسدی مثل جمهوری اسلامی حمایت میشود - اولین و مهمترین مانع در مقابل انکشاف یک مبارزه سیاسی رهاییبخش در این کشور است. تحقیقا میتوان گفت که به زیر کشیدن حکومت اسلامی، این متحد سیاسی و یاور اقتصادی هیئت حاکمه کره شمالی، زیر پای این حاکمان را سست خواهد کرد و مردم کره شمالی را یک قدم به رهایی نزدیکتر خواهد کرد.

۱۷ آوریل ۲۰۱۳، ۲۸ فروردین ۱۳۹۲*

سیاست ضد انسانی جمهوری اسلامی علیه مهاجران افغانستانی ادامه دارد



محمد شکوئی

افغانستان راه اندازی شده اند، منتقل گشته اند.

در ادامه تشدید سیاست های راسیستی رژیم بر علیه کارگران افغانستانی شاغل در ایران، یک منبع محلی از نیریز استان فارس به رادیوی دویچه وله گفته است: "حدود یک سال پیش شورای تأمین شهرستان نیریز درخواست ممنوعه شدن شهرستان نیریز برای حضور اتباع بیگانه را به شورای تأمین استان و در ادامه آن شورای امنیت کشور داد و تأییدیه استانی و کشوری آن را هم گرفت. نیریز اکنون شهر ممنوعه برای مهاجران افغان اعلام شده و حضور فیزیکی آنها در این شهر ممنوع گشته است و به آنها فرصت داده اند تا خرداد امسال نیریز را ترک کنند."

وبلاگ "گروه مشاوران جوان فرمانداری شهرستان نیریز" تحت عنوان "میهمانان ناخوانده ای که فرصت های اقتصادی را سلب کردند" چنین آمده است: "یادمان باشد که مقام عظمای ولایت امسال را سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی نام نهادند. در بسیاری از معادن، سنگبری ها، مرغداری ها، مزارع و باغات، پروژه های ساختمانی و حتی در برخی پروژه های ملی از کارگران افغان استفاده می شود. به معضل فوق باید این مورد را افزود که این افراد با ازدواج های غیرمجاز بخشی دیگر از معضلات اجتماعی را در شهرستان ایجاد کرده اند، همچنین مباحث امنیتی که این اتباع خارجی ایجاد می کنند هزینه های زیادی برای کشور دارد. یکی دیگر از معضلات این میهمان های ناخوانده دانش آموزان افغانی است که از سرانه آموزشی دانش آموزان استفاده می کنند. بیماری های واگیردار در این گروه از اتباع خارجی هزینه های زیادی به بخش سلامت استان تحمیل

کرده است." گروه مشاوران جوان فرمانداری شهرستان نیریز درخواست کرده است کار کارگران افغان به کارگران ایرانی واگذار شود!!

اینها بخش هایی از اظهارات مقامات رژیم در استان فارس در ادامه طرح تشدید اخراج کارگران افغانستانی شاغل می باشد. راسیسم و نژادپرستی اسلامی - ایرانی! حکومت با این شانناژ و تبلیغات کثیف در صدد ایجاد فضا و جو "افغان ستیزی" در این منطقه برآمده است. حکومت در سال "حماسه سیاسی و اقتصادی خامنه ای" و برای عملی کردن آن، رسماً و علناً اعلام کرد که کارگران افغانستانی شاغل را باید اخراج و به جای آن کارگر ایرانی را شاغل کرد تا با بیکاری "مبارزه" کند. این سیاست ارتجاعی و ضد کارگری جمهوری اسلامی نه فقط در نیریز فارس، بلکه در کل کشور در برخورد به صدها هزار کارگر افغانستانی می باشد. سیاستی نژاد پرستانه که افغانستانیها را عامل بیکاری اعلام کرده و در صدد تحریک مردم ایران بر علیه این جمعیت می باشد. سیاستی که در طول سه دهه گذشته یک جزء ثابت سیاست های ضد بشری جمهوری اسلامی در برخورد به میلیونها کارگر و مهاجر افغانستانی مقیم ایران بوده و می باشد.

سیاست ضد انسانی جمهوری اسلامی در اخراج هزاران کارگر افغانستانی شاغل در ایران را باید شدیداً محکوم کرد. این سیاست نژادپرستانه، راسیستی، اسلامیستی است و باید در برابر آن دست به مبارزه زد. کارگران افغانستانی دهه سال است که در این مملکت با ناچیزترین دستمزدها، در بدترین شرایط کاری، بدون حداقل امکانات کار کرده اند. از قبل استثمارین جمعیت میلیونی هزاران میلیارد

تومان درآمد نصیب سرمایه داران و حکومتشان شده است. بسیاری از آنها بخش عمده زندگی خود را در ایران بسر برده و در آنجا تشکیل خانواده داده اند، بسیاری از جوانان افغان حتی افغانستان را ندیده اند و بخاطر محل تولد پدر یا مادرشان "مجرم" شناخته میشوند. کارگران مردم ایران در همبستگی با کارگران و مهاجرین افغانستانی مقیم ایران، باید در برابر این سیاست های کثیف دست به اعتراض و مبارزه بزنند. نباید اجازه داد جمهوری اسلامی با تبلیغات کثیفش این جمعیت میلیونی را از کار و زندگی و حق شهروندی در ایران محروم نماید. کارگران افغانستانی به همراه جمعیت میلیونی مهاجرین شهروندان جامعه ایران هستند. آنها محرومترین و بی حقوق ترین بخش کارگران و مردم هستند. باید به دفاع از این جمعیت میلیونی برخاست، سیاست راسیستی حکومت را افشا کرد و مبارزه گسترده بر علیه این سیاست های ضد انسانی سازمان داد.

* اعتراض به اعدام افغانستانیها در ایران!

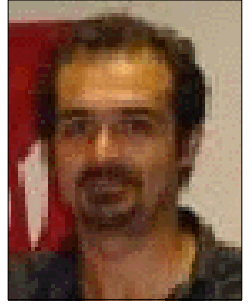
جمهوری اسلامی در یکسال و نیم گذشته دهها شهروند افغانستانی که در زندانهای ایران بودند، اعدام کرده است. در تابستان سال گذشته رژیم اعلام کرد که بیش از ۳۰۰ نفر از افغانستانیها به اعدام محکوم شده اند. بر اساس آخرین اخبار منتشر شده جمهوری اسلامی ۱۳ نفر افغانستانی را تابستان سال گذشته اعدام کرده و اجساد آنها را در ۲۵ کیلومتری شهر تایباد پنهان کرده بود، بعد از ماهها پیگیریهای خانواده های اعدام شدگان و دولت افغانستان اجساد اعدام شدگان کشف و به افغانستان منتقل شد. این جنایت جمهوری اسلامی خشم و نفرت مردم هرات و بازماندگان اعدام شدگان را برانگیخته است. در اعتراض به احکام اعدام و توحش جمهوری اسلامی، این هفته در شهر هرات تظاهراتی در برابر کنسولگری رژیم برگزار گردید. صدها نفر ضمن تجمع در برابر کنسولگری رژیم،

بر علیه جنایات جمهوری اسلامی شعار داده و اعدام افغانستانیها را محکوم کردند. در اقدامی سمبولیک تظاهر کنندگان جنازه تعدادی از اعدام شدگان توسط رژیم را چند ساعتی در برابر کنسولگری رژیم به نمایش گذاشتند. تظاهر کنندگان خواهان محکومیت جمهوری اسلامی شده و از سازمان ملل خواهان دستگیری و محاکمه سران جمهوری اسلامی، شدند. اعتراض بازماندگان و مردم شهر هرات بر علیه اعدام عزیزانشان بخشی از مبارزه مردم افغانستان بر علیه کلیت جمهوری اسلامی، بویژه سیاست ضد انسانی اعدام افغانستانیها می باشد.

این جنایت است باید شدیداً محکوم شود. جمهوری اسلامی با این اعدامها در صدد ایجاد جو رعب و وحشت و ناامنی برای میلیونها افغانستانی مقیم ایران می باشد.

لازم به یادآوری است که مردم افغانستان در چند سال گذشته تظاهرات متعددی بر علیه اعدام و دستگیری زندانیان سیاسی در ایران، برپا داشته بودند. بزرگترین این اعتراضات، اعتراض به اعدام فرزند کمانگر بود که در چندین شهر افغانستان برگزار شد. مبارزه بر علیه اعدام در افغانستان مدتهاست که یک جنبش نسبتاً بزرگی شده است. مردم ایران و مخالفان اعدام در همبستگی با بازماندگان اعدام شدگان افغانستانی توسط جمهوری اسلامی، باید اعتراض کرده و خواهان لغو احکام اعدام ۳۰۰ نفر از افغانستانیهای مقیم ایران توسط جانیان اسلامی شوند. سیاست ضد انسانی اعدام افغانستانیها توسط جمهوری محکوم است. سیاست های راسیستی و نژاد پرستانه رژیم بر علیه میلیونهای افغانستانی مقیم ایران در کنار اعدام ها، یک جزء ثابت سیاست های ضد انسانی جمهوری اسلامی در سرکوب این جمعیت میلیونی ساکن ایران می باشد. سران و مقامات جمهوری اسلامی با جرم ارتکاب جنایت بر علیه بشریت دستگیر و محاکمه گردند.*

خاتمی بیاید یا نیاید؟! مسئله این نیست! از "ریسک" اصلاح طلبان تا "اصلاحات تند" احمدی نژاد!



هادی وافی

با نزدیک شدن به زمان برگزاری نمایش انتخابات، نزاع ها، افشاگریها و دسته بندی های داخلی رژیم نیز هر چه بیشتر تعمیق شده است. باندهای مختلف نظام به دسته ها و جناح های متعدد تقسیم گشته و تمام مقاماتی که اشتباهی سیری ناپذیر دارند و در طول بیشتر از سی و چهار سال حکومت خود، شرایط دهشتناک کنونی را بر کرده مردم ایران تحمیل کرده اند، باز هم برای نجات جمهوری اسلامی دور هم جمع شده اند.

اصولگرایانی که به دسته های مختلف و متعدد تقسیم شده اند، اصلاح طلبان آبرو بر باد داده ای که هنوز با وقاحت تمام دل در گرو اصلاح حکومت اسلامی دارند و با تشکیل ستاد "آفتاب صبح امید" در حمایت از نامزدی محمد خاتمی بسیج شده اند، در کنار دولتی که رئیسش با جلو راندن "اسفندیار رحیم مشایی" از "اصلاحات تند" برای تغییر وضعیت خبر می دهد و "اقدامات بزرگی که بتوان در پرتو آنها همه چیز را تغییر داد"، همه و همه به میدان آمده اند تا هر يك بشیوه خودشان کشتی به گل نشسته رژیم را از بحران های غیرقابل پیش

بینی و باصطلاح از "فتنه" های بزرگتر آینده عبور دهند. اما، آیا برآستی با تنفر و انزجاری که هر روز نسبت به این حکومت در میان مردم عمیق تر می شود و با خشم و نارضایستی گسترده ای که مدتهاست خواب آرام را از چشم حاکمین مذهبی گرفته است و همچنین ورشکستگی و فروپاشی اقتصادی که هر روز خودش را در فقر و فاقه کمرشکن مردم و تعطیلی مراکز و کارخانجات تولیدی و بیکاری و بیکارسازی های بیسابقه نشان می دهد، هنوز راه نجاتی برای جمهوری اسلامی متصور است؟! این پرسشی است که اصلاح طلبان به آن پاسخ مثبت می دهند! هم آنها که در تمام بزنگاه های تاریخی مبارزات و خواسته های واقعی مردم را تحریف کردند و سر مردم را به سنگ کوبیدند. هم آنها که بنویه خودشان در زمان ریاست و وزارت خودشان، غارت و چپاول کردند و کشتار و اعدام براه انداختند و به بقای این رژیم سر تا پا غرق در خونریزی و تباهی یاری رساندند و اسمش را گذاشتند رفرم و اصلاحات! هم آنها که هنوز می خواهند به خامنه ای و نظام ولی فقیه منحوسش فرصت انتخاب بدهند تا بقول "محمدرضا خاتمی"، دبیر کل سابق جبهه مشارکت، با تمام شکنجه ها و تجاوزها و کشتارها انتخاب کنند "یک حکومت دیکتاتوری و استبدادی داشته باشند یا اینکه به مطالبات اصلاح طلبان پاسخ مثبت دهند!"

محمدرضا خاتمی اینبار به نمایندگی از اصلاح طلبان پیشگام

تحریف و تحمیق دوباره مردم شده است. او در گفتگو با سایت "آفتاب صبح امید" راه برون رفت و نجات کشور را برگزاری يك انتخابات "نسبتاً" آزاد با حضور محمد خاتمی دانسته و در عین حال اعتراف می کند که "جمهوری اسلامی با برگزاری يك انتخابات در حد استانداردهای بین المللی فاصله زیادی دارد اما اگر همین قانون جمهوری اسلامی بدرستی اجرا شود، نیروهای اجتماعی می توانند شرایط را تغییر دهند!" نایب رئیس مجلس ششم در دوره اصلاحات همچنین در این گفتگو اعتراف می کند که نظام اسلامی در حال سقوط است و اینکه اصلاح طلبان باید از تمام سرمایه و توان خود برای نجات آن به میدان بیایند. محمدرضا خاتمی که هنوز با ساده لوحی تمام گمان می کند اعتبار و حیثیتی برای حکومت اسلامی در نزد مردم باقی مانده و یا اعتماد و سرمایه ای برای اصلاح طلبان، می گوید: "رد صلاحیت خاتمی کار کوچکی نیست و اگر این اتفاق بیفتد، بخش قابل توجهی از سرمایه اعتماد حکومت در میان مردم از بین می رود". او به ضرورت فعال شدن اصلاح طلبان برای نجات نظام فقر و بیحقوقی مذهبی اشاره می کند و بزعم من، به انقلاب و فوران خشم و انزجاری که به کابوس هر روزه مقامات تبدیل شده است. برادر رئیس جمهور پیشین اضافه می کند که "نکته مهم تر این است که باید ریسک کنیم و این ریسک می ارزد. چرا که اگر ما سرمایه ای داریم باید اکنون که کشور در معرض سقوط است، از آن استفاده

کنیم. اگر بخواهیم این سرمایه را برای فردایی نامعلوم حفظ کنیم، ممکن است که اساسا کشوری وجود نداشته باشد...!"
محمدرضا خاتمی و تمام باصطلاح اصلاح طلبان می دانند که دارند "ریسک" می کنند اساسا به این دلیل که بخوبی می دانند دیگر اعتمادی نسبت به هیچ يك از جناح های این رژیم نزد مردم باقی نمانده است. می دانند که نظام اسلامی عزیزشان با چنان خطرات و فتنه های عمیقی مواجه است که حتی با باز کردن نسبی فضای سیاسی هم رفتنی است. می دانند که مردم ایران منتظرند و مترصد که بساط کلیت جمهوری اسلامی را بر سر این شیاوان و تبهکاران خراب کنند. مشکل جمهوری اسلامی آمدن یا نیامدن خاتمی نیست! مشکل این حکومت این است که نه تنها مردم، بلکه کارگزاران آن هم دیگر آرا باور نمی کنند!
خاتمی و تمام مقامات حال و گذشته رژیم اسلامی بخوبی می

دانند که تمام این نمایشی که با نام انتخابات راه انداخته اند، در چهارچوب ساز و کارهای سیاسی جمهوری اسلامی، دیگر حتی ابزاری برای بازی دادن مردم، دیگر حتی انتخاباتی در حد استانداردهای نسبی نظام های سیاسی دنیای کنونی نیست. تک تک حافظان و نگاهبانان جمهوری اسلامی در واقع پذیرفته اند که این بازی مزخرف دیگر مدتهاست به "دردر" حکومت تبدیل شده است و با این وجود، این نمایش مضحک را ادامه می دهند به این دلیل که هست و نیست شان با وجود این نظام گره خورده است. به این دلیل که منافعشان با حفظ حکومت اسلامی است که تأمین می شود و بالینحال، احمدی نژاد و محمدرضا خاتمی، هر دو راست می گویند! جمهوری اسلامی برای گذار از آن بحران سیاسی که گریبانش را گرفته، برآستی نیازمند ریسک، "اصلاحات تند" و اقداماتی است که در پرتو آنها امکان بقای رژیم و تحریف دوباره مردم فراهم شود!*

**تلفن تماس با حزب در
خارج از کشور**

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران
شهاب دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

**I.K.K, Box: 2110,
127 02 Skärholmen - Sweden**

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

بتی که بورژوازی میسازد

یاشار سهندی

مارگارت تاجر مرد. دستگاه تبلیغاتی بورژوازی به کار افتاد تا از او بت کبیری بسازند. در تشییع جنازه پرطمطراق او با حضور نمایندگان اقلیت مفتخور یک درصدی یعنی واحدهای نظامی و سران ارتش، ملکه انگلیس و همسرش، نخست وزیر انگلیس، نماینده دولت آمریکا و بسیاری از دولت‌های دیگر، حضور داشتند. اما هزینه ۱۶ میلیون دلاری این تشییع جنازه بدوش مالیات دهندگان انگلیس و اکثریت ۹۹ درصدی افتاد. مارگارت تاجر را فردی با "اعتقادات محکم" معرفی میکنند و از این جهت هم به او لقب "بانوی آهنین" دادند. البته ایشان را فردی "خودساخته" معرفی کردند که "فعل خواستن" را صرف کرده بود و ظاهراً خواستن توانستن است!

تاجر فرزند یک بقال معرفی شده که به همت خودش به نخست وزیر بریتانیای کبیر رسیده. (طبق طبقه بندی جدید بی بی سی طبقات جامعه به هفت طبقه تقسیم میشوند و طبق تعریف کارشناسی شده برای فریب مردم، ایشان جز نخبه گان هستند که



داری انگلیس در اواخر دهه ۷۰ برای نجات از بحران عمیقی بود، که در آن گرفتار بود. او با مشت آهنین (البته با مشاورت میلتون فریدمن - مشاور مخصوص پینوشه) اینها شمه ای کوچکی از اقدامات ضد انسانی ایشان است. مارگارت تاجر سرمایه داری انگلیس را از نابودی نجات داد. بورژوازی از این خدمتگزار سابق خود با ساختن مجسمه برنزی تشییع جنازه در حد یک ملکه، قدردانی می کند و در عین حال تلاش می کند دیو را به عنوان فرشته به مردم دنیا بفروشد.*

خانم تاجر بسیار ستایش میشود این است که ایشان بسیاری از امکانات رفاهی مردم انگلستان را قطع کرد (البته با مشاورت میلتون فریدمن - مشاور مخصوص پینوشه) اینها شمه ای کوچکی از اقدامات ضد انسانی ایشان است.

همکاری و همیاری ایشان با رونالد ریگان یک دوره سیاه از تاریخ بورژوازی را رقم زد. حمله به همه دستاوردهای ممکن شده تا آن تاریخ از افتخارات بورژوازی است، مارگارت تاجر آخرین حربه سرمایه

خارجی ندارد. آنچه که وجود دارد تک تک افراد، زن یا مرد و خانواده ها هستند. و هیچ حکومتی نمی تواند کاری بکند مگر از طریق همین مردم. و مردم نیز در درجه اول برای حل مشکلات باید به خود و دیگران متکی باشند. و چنین بود که به همه امکانات و دستاورد های مردم حمله برد.

در کارنامه سیاسی او جز اقدامات ضد بشری هیچ چیزی دیگری ثبت نیست. حمایت از پینوشه و رژیم آپارتاید افریقای جنوبی و اینکه آنچه در کشوری مثل ایران میگذرد مربوط به خودشان است و قتل بابی سندز (عضو زندانی ارتش آزادیبخش ایرلند) با اعتصاب غذای او صورت گرفت و تماماً بدین خاطر بود که بانوی آهنین حرفش یکی بود. شاهکار خانم تاجر تصویب قوانین شدید علیه اختیارات اتحادیه های کارگری و بخصوص سرکوب اعتصاب معدنچیان انگلستان بود که "بسیاری از خانواده های کارگران این صنعت از نظر اقتصادی آنچنان آسیب دیدند که هیچگاه نتوانستند خود را احیا کنند." آنچه که کوچک کردن دولت شمرده میشود و از این بابت

هیچ چیز ندارند اما علاوه بر مغز، همت داشتند!) این خانم با "اعتقادات محکم" اگر مورد مقبولیت بورژوازی قرار گرفت دقیقاً به خاطر اعتقادات محکم ضد بشری اش بود. اولین اقدامش در مقام وزیر این بوده که شیر کودکان مدرسه ای را قطع کرد و مردم به او لقب "شیر دزد" دادند و از همانجا "درس باارزشی" فرا گرفت. "من از این موضوع یک درس با ارزش گرفتم. من به خاطر دستاورد سیاسی بسیار ناچیزی یک حس تنفر بسیار عمیق و گسترده را دامن زدم." و چنین بود که برای دستاوردهای سیاسی بزرگ حس تنفر بسیار عمیقتر و گسترده تر را دامن زد. بانوی آهنین معتقد بود: "به نظر من برای دوره طولانی بسیاری از مردم عادت کرده اند چنین فکر کنند که گویا دولت مسئول حل مشکلات آنهاست. اگر کسی مشکل مالی دارد به این فکر می کند که از دولت وام بلاعوض بگیرد. اگر کسی مشکل مسکن دارد فکر می کند که دولت باید به او خانه بدهد. آنها مشکل خود را روی دوش جامعه می اندازند و این جامعه واقعا کیست؟ یک چنین چیزی تحت عنوان جامعه وجود

تاجر در صفحات فیسبوک

مردگان را بگذارید که صاحب مردگان تشییع کنند!!

* امروز مراسم تدفین و یا تحریق لوح افتخار تن لش ها و مفت ماگارت تاجر بانوی تنکه آهنین سرمایه داری انگلستان و جهان با شرکت هم طبقه ای هایش از ملکه الیزابت و کامرون گریان تا کیسینجر و بقیه التسیف مفت خورها و تبهکاران جنگی انجام گرفت

* تاجر شخصیت ایدئولوژیک لیبرالیسم بود که همواره بر به حداکثر رساندن سود و به حداقل رساندن هزینه متمرکز بود! و تمام برنامه های دورانش جز به ضرر کارگران و به سود کارفرمایان نبود

* تاجر با هزینه ای ۱۰ میلیون پوندی از جیب مالیات دهندگان و طبقه کارگر و در مراسمی مسخره تودیع شد تا نامش برای همیشه در

* امروز مراسم تدفین و یا تحریق خورها ثبت شود و با زشتی در ذهن انسانهایی که سازندگان و تولید کنندگان اصلی جامعه بودند و هستند برای همیشه حک شود

* برگزاری مراسم های پارتی و شادی در مرگ این نماینده سرسخت سود و سرمایه تنها بدرقه آخر او نیست! بیزاری از سیستمی است که او و همپالکیش ریگان استارتش را زدند و تا به امروز باعث به نابودی کشاندن میلیونها خانوار کارگری در سراسر جهان و جنگها و تروریسمی است که هرروزه کشتار میکند



اجرای نمایش توهین و تحقیر زنان توسط ماموران رژیم اسلامی در مریوان اعتراض زنان و مردم مبارز شهر مریوان به این رفتار شنیع مزدوران حکومت اسلامی



ناشی از ته کشیدن ترفندهای شکست خورده و ضد زن این حکومت علیه مردمی است که برای سرنگونی اش دارند خود را آماده می کنند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۶ آوریل ۲۰۱۳
۲۷ فروردین ۹۲

درجه چندم دانستن موقعیت و جایگاه زن در جامعه است و رواج این فرهنگ همزاد با تجاوز، سنگسار و صدها بی حقوقی دیگر علیه زنان است. این رفتار و اعمال توهین و تحقیر سیستم اسلامی باید در هر جا مورد اعتراض شدید و تند مردم مبارز قرار بگیرد. این تلاشها از سوی دادگاه و ماموران رژیم در مریوان و شهرهای دیگر،

شیعی از این دست، بویژه جوانان سنت شکن، آنان را تحقیر و مورد اذیت و آزار قرار داده اند. حرکت توهین آمیز ماموران و دادگاه رژیم در شهر مریوان و گرداندن افراد با لباس زنانه در شهر اوج بی حرمتی حکومت اسلامی به زنان در جامعه است. این رفتار شنیع و این لمپنیزم اسلامی به درست با اعتراض مردم و بویژه نهادهای مدافع حقوق زن در مریوان روبرو شده است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری این رفتارهای کریه و بغایت ضد انسانی توهین و تحقیر زنان و مردان را محکوم می کند و به مردم مبارز مریوان که با اعتراض بموقع خود جواب دندان شکنی به لمپنهای حکومت اسلامی دادند درود می فرستد. این سنت و روشها برگرفته از فرامین قرآن و قانون جمهوری اسلامی در

برخی از نمایندگان حکومت در مجلس از وحشت گسترش اعتراضات وسیعتر مردم نسبت به این اقدام هشدار دادند. امروز خبر رسید که در شهر مریوان زنان با لباسهای سرخ به خیابان رفته و در يك حرکت اعتراضی به این رفتار توهین آمیز جنایتکاران حاکم بر ایران اعتراض کردند. خبر حاکی از بروز درگیری در جریان این حرکت اعتراضی مابین مردم و نیروهای انتظامی و اطلاعاتی بوده است.

این اولین بار نیست که نهادها و ماموران سرکوبگر جمهوری اسلامی اینگونه و با فرهنگ لمپنیزم اسلامی شان اقدام به تحقیر و توهین به حرمت و کرامت زنان و مردان در جامعه می کنند. دستگاههای رژیم اسلامی بارها با تراشیدن سر جوانان پسر و آویزان نمودن آفتابه بر گردن و رفتارهای

بنا به خبرهای منتشر شده روز دوشنبه ۲۶ فروردین ماه نیروهای انتظامی و اطلاعاتی رژیم اسلامی در شهر مریوان مردی را تحت عنوان "اراذل و اوباش" و در حالیکه لباس زنانه بر تن او کرده بودند، در خیابانهای شهر مریوان گرداندند. طبق اخباری که به ما رسیده است، بدلیل يك درگیری خانوادگی بین دو خانواده، مزدوران حکومت اسلامی سه مرد از این دو خانواده را محاکمه و هر سه آنها را به پوشیدن لباس زنانه و نمایش در شهر محکوم کرده اند که روز دوشنبه اجرای حکم يك نفر از آنها را به نمایش گذاشتند. مردم و انجمن زنان مریوان نیز نسبت به این اعمال ضد انسانی ماموران حکومت و دستور صادره دادگاهی که رای به صدور این حکم داده است اعتراض کردند. کار بجایی رسید که

زمین است و با شلاق و اسید و شکنجه و تجاوز و سنگسار میکوشد جامعه را چنین "رهبری" کند. و چنین است که در يك شهر در ایران، شهری که به تازگی در اعتراض به احکام اعدام دو نفر از جوانانش اعتصاب عمومی کرده بود، مردم با يك واقعه مواجه میشوند جوانی را در شهر میگردانند و بر تن او لباس زنانه کرده اند و بنظر من میخواهند فضا را در این شهر بسنجند. عکس العمل مردم يك تودهنی به حکومت و قوانین و سنتهای این حکومت است.

عکس العمل مردم چنان تند است که طویله ای به اسم مجلس شورای اسلامی را نیز وادار به حرف زدن میکند.

زنان سرخپوش مریوان به خیابان آمده و سپس از مردان

اغلبشان سیرت چهار پایان دارند. ولی به آنها صورت انسان داده شده تا مردان از مصاحبت با آنها متنفر نشوند. و در شرع مطهر مردان در احکام، مثل طلاق و نشوز (نافرمانی زن از شوهر) بر زنان چیرگی داده شده اند.

بله در اسلام جایگاه واقعی زن این است! این نقل قولی از پیغمبرشان است.

در سیستم فکری و ایدئولوژی این حکومت که بر اسلام ناب محمدی استوار است، زن يك انسان نیست، فتنه است موجب فساد جامعه است، موجودی است تحقیر شده که خدا او را فقط برای لذت بردن مردان خلق کرده و مردان حق دارند هر بلایی بر سر زنان آورده و در نهایت حتی آنها را بکشند. در مواردی قتل زنان بر مرد واجب است و همین سیستم و همین سنت اکنون در ایران قانون است. حکومت نماینده خدا بر روی

کردن و گرداندن آنها در شهر به عنوان اشد مجازات و یا تحقیر آمیز ترین رفتار با يك مرد، جایگاه تحقیر و توهین و مجازات در ملاعام و جایگاه به اصطلاح "مجازاتهایی" از این نوع که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی جدید هم نیست، همه و همه مورد بحث و بررسی است.

در این واقعه اما بر خلاف در شهر گرداندن های قبلی که سر افراد را می تراشیدند و یا آفتابه بر گردن جوانان آویزان میکردند، بر تن "متهم" که مرد است لباس زنانه میکنند و از این طریق میخواهند بیشترین و بالاترین تحقیر را به زعم خودشان بر این مرد روا دارند.

پیامبر فرمود: زن را برای فرا گرفتن نیکی ها بزنید؛ زنان به دلیل ضعف عقل و ادراک جزئیات و میل به زینت های دنیا حقا و عدلا در حکم حیوان هستند. و

به زنان سرخپوش مریوان به مردم آزاده مریوان

اسلامی را در جلوی چشم مردمی آزاده و متنفر از حکومت اجرا میکنند.

بلافاصله چند نفر از زنان آزاده در شهر راه افتاده و در حالیکه لباس سرخ بر تن دارند، به يك راهپیمایی اعتراضی در شهر مریوان دست زده و از مردان دعوت میکنند که از آنها دفاع کنند. در اینجا جرقه يك اعتراض زده میشود.

شهر مریوان متشنج است و همه در مورد این واقعه حرف میزنند. دستگیری افراد و محاکمه آنها در دادگاههای پوشالی و ضد انسانی جمهوری اسلامی، سیستم قضایی این حکومت، لباس زنانه بر تن افراد



مینا احدی

شهر مریوان این روزها شاهد يك رو در رویی مهم است. حکومت جلدان حاکم بر ایران يك مرد را در شهر میگرداند، در حالیکه بر تن او لباس زنانه کرده اند و این روش قرون وسطایی مجازات و تحقیر زنان و همچنین تحقیر جوانان و اسرای حکومت

جشنواره سبیل، دهن کجی به حکومت اسلامی!

فرح صبری

روز دوشنبه ۲۶ فروردین در شهر تهران جشنواره ای توسط جوانان برگزار شد به نام جشنواره "سبیل ها بیشتر به کی میاید"! دخترها و پسرهای جوان با شرکت در این جشن با استفاده از انواع مدل‌های سبیل عکسهای بسیار جالبی را تهیه کردند و خیلی سریع این عکسها در مدیای اجتماعی مثل فیس بوک پخش شد و مورد استقبال کاربران فضای مجازی قرار گرفت، باعث شادی و نشاط در بین جوانان و مردم شد و مثل همیشه شادی مردم عزای حکومتیان شد. این خبر در "بوتیانیز" به این صورت درج شد: این جشنواره که با حضور گسترده دختران و پسران با هدف بی حیایی و بی عفتی عمومی در سایه امن و بصورت آزاد برگزار شده است آن هم در ایامی که مردم ایران اسلامی داغدار حضرت زهرا هستند. عده ای با حمایت افرادی خاص که از عناصر بی دین هستند جشنواره ای بی نام و نشان را برای جوانان برگزار می کنند و گویا هیچ کس هم جلودارشان نیست. در این جشنواره که عنوان "سبیل ها بیشتر به کی می آید" را به خود گرفته است بیش از سیصد نفر از دختران و پسران شرکت داشته اند که بصورت بسیار افتضاح در این برنامه حضور داشته اند. دختران با اوضاع بسیار اسف بار و پسران هم با تیپ های آنچنانی به بی حرمتی و تمسخر در ایام فاطمیه پرداخته اند. عکس های دختران و پسران شرکت کننده در این جشنواره بی عفتی که بصورت آزاد در تهران برگزار شده است کاملا مشهود و قابل شناسایی هستند و دختران با بدحجابی تمام و آرایش های غلیظ که گویا سازماندهی شده در این برنامه که در یکی از بوستان های

تهران برگزار شده است تصاویرشان منتشر شده است.

در اوضاعی که باندهای حکومتی در مقابل یکدیگر مشغول صف آرایی هستند و بانگ دعواهایشان را در مجلس اراذل اسلامیشان میتوان شنید، حرکت جالب و دیدنی جوانان تهرانی و شادی و نشاط آنها در این جشنواره باعث ترس و دلهره ی حکومتیان شد. از آنجا که این مراسم در روزهای عزاداری "فاطمیه" انجام شد، عرش ملکوت به لرزه افتاد و موجب وحشت اوپاش اسلامی شد. این اتفاق در هر کشور دیگری به وقوع میبوست هیچ ارتباطی با حکومت پیدا نمیکرد اما در ایران بدلیل اختلاف بسیار زیاد شیوه ی زندگی مردم با قوانین عقب افتاده و قرون وسطایی اسلامی هر حرکت دست جمعی که باعث شادی جامعه باشد پایه های حکومت را به رعشه میاندازد. جمهوری اسلامی میخواهد هرچه بیشتر بساط عزاداری و اختناق مذهبی را به بهانه های مسخره ای مثل دهه اول فاطمیه، ماه محرم، اربعین، ماه رمضان و... بر پا کند و از سوی دیگر مردم از هر فرصتی برای شادی و رقص و آواز استفاده کرده، و... بر پا کرده و بساط روضه خوانیها و خرافات را زیر شادیهای خود لگد مال میکنند. در این کشمکش جمهوری اسلامی بازنده است و نیروی انتظامی و گله های چماقدار اسلامی هم کاری از دستشان بر نمیآید. این روحیه و تفکرات رایج در میان مردم را نشان می دهد را نشان میدهد که هیچ ارتباطی با خرافات و مذهب ندارد.

این موضوع مختص این جشنواره نمیشود، کفایت کمی در خیابانهای تهران و یا دیگر شهرها گذر کنید تا ببینید که پرچم

اسلام سیاسی چگونه با موهای افشان دختران تکه پاره میشود و دیگر فغان حکومتیان از بدحجابی زنان نیست بلکه دیگر داد از بی حجابی دارند. این خبر با اعلام اینکه "عکس های دختران و پسران شرکت کننده در این جشنواره کاملا مشهود و قابل شناسایی هستند"، گله های حزب اله را برای حمله به این دختران و پسران بسیج می کند. اما همین هم خود عجز و درماندگی این اوپاش را در مقابل جوانان نشان میدهد. در این خبر به سازماندهی این حرکت اشاره شده است و البته این نکته ی درستی است اما با کیفیتی که قابل درک برای کپک زده های اسلامی نمیشود چرا که این سازماندهی توده های مردم برای زندگی در شان انسان قرن بیست و یک است. مردم خودشان را آماده میکنند تا زمام امور خود را بدست بگیرند و این

کار را با برنامه ریزی اوقات فراغت و فراهم کردن ساعات شادی آغاز کرده اند چرا که سالیانست شاد بودن در این سرزمین جرم به حساب آمده است. برگزاری برنامه های شادی همگانی ناقوس مرگ جمهوری اسلامی را به صدا درمی آورد. برگزاری این نوع مراسم بعد از سرکوب وحشیانه جوانان در سال ۸۸ پیام بسیار تلخی را برای رژیم به همراه دارد. چرا که در واقع تلاش رژیم برای ترساندن و شوک وارد کردن به جامعه توسط زنان و



کهریزک و تجاوز نه تنها روحیه یاس و ناامیدی را در بین جوانان به همراه نداشت بلکه مردم با روحیه ای شاد به استقبال سرنگونی حکومتی میروند که جایش تنها در زباله دان تاریخ میباشد.*

من یک زن کارگر ایرانیم در آستانه اول ماه مه

مریم تقی نژاد

به اول ماه مه "روز جهانی کارگر" نزدیک میشویم، این روز متعلق به تمامی کارگران است اما هر وقت از کارگر حرفی زده میشود بلافاصله کارگران مرد در ذهن انسان تداعی میشود و انگار زنان هیچگاه در این عرصه وجود نداشتند و این یک نوع تبعیض جنسیتی است که همواره در طول تاریخ شاهد آن بوده ایم.

"من یک کارگر، من یک زن، من قربانی یک تقسیم کار ناعادلانه در پروسه تاریخی جامعه طبقاتی هستم که اسم و حس های انسانیم و وجودم را در عرصه تبعیض از من گرفته اند."

زنان بخش مهمی از طبقه کارگر را تشکیل میدهند و به هر شکل که در بازار کار باشند چه در بخش صنعت، تولید، آموزش و یا حتی در محیط خانه خود در کارگاههای کوچک خانگی و ... نقش و سهم مهمی در جنبش کارگری بعده دارند، اگر چه بخش عمده ای از فعالیت و کار زنان اختصاص به امور خانه و خانه داری دارد که نه به حساب میاید و نه دستمزدی بابتش دریافت میکنند. پس نقش بسزای زنان کارگر را باید همیشه با صدای رسا فریاد کرد زیرا در قانون کار ایران نه تنها تبعیض علیه زنان به شکل برجسته اعمال میشود حتی در موقع اخراج، زنان در اولویت هستند. سیاست های جمهوری اسلامی برای کوتاه کردن دست زنان از محیط کار و خانه نشین کردن آنها و محروم کردن زنان از بسیاری از امکانات رفاهی حین کار و مشمول شاغلین، زنان را به

حتی در مدیاهای اجتماعی و در فیلمهایشان و مهد کودکیها و در سطح آموزش و پرورش و تربیتهای اجتماعی هم، تقسیم کار جنسی را تبلیغ و القاء می کنند. جمهوری اسلامی خوب می داند که نبض اسلام سیاسی و حاکمیتشان به چادر و محدودیت زنان بسته شده است و اگر زنان از قیود آزاد شوند و راه مبارزه برای آنان هموار گردد دیگر جمهوری اسلام و اسلامیتی وجود نخواهد داشت. سرمایه داری با ابزار مذهب و مرد سالاری در واقع کل جامعه را زیر تهاجم بیشتر خود قرار میدهد. با تبعیض و جدا سازی جنسیتی و محرومیتها و تظلم در حق زنان نه تنها یک شکافی عمیق در اتحاد کارگران بوجود می آورد، بلکه این کل جامعه است که مورد تهاجم قرار گرفته و پایه ای استانداردهای انسانی در آن که همانا برابری زن و مرد در آنست زیر پا گذاشته شده است. تبعیض علیه زن و موقعیت فرودست تر زنان در محیط کار مستقیماً علیه کل کارگران و کل جامعه است.

جمهوری اسلامی با جداسازی محیط های کار و تبعیض جنسیتی میکوشد مانع شرکت فعال زنان در مبارزه و همفکری آنان با همکاران مرد خود شود. اما حضور فعال زنان کارگر در مبارزاتی چون اعتراضات کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان که زنان معترض از جمله سخنرانان و رهبران بودند و شرکت خانواده های کارگری در بسیاری از تجمعات کارگری و حضور چشمگیر زنان در چنین مبارزاتی، خود یک پیشروی مهم از سوی زنان معترض و جنبش اعتراضی کارگری است. طبعاً جا دارد تاکید بیشتری بر دخالت زنان

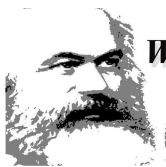
کارگران در مبارزات جاری کارگری و رهبری این اعتراضات داشت. جا دارد تاکید بیشتری بر حضور دخالت خانواده های کارگری و زنان معترض در این اعتراضات داشت. اول مه روز جهانی کارگر نزدیک است. یک موضوع مهم اعتراض در این روز اعتراض به تبعیض علیه زن و ستمکشی سیستماتیک و هر روزه آن زیر حاکمیت رژیم آپارتاید جنسی ایران است. هر ساله یکی از بندهای قطعنامه های اول مه اعتراض علیه نابرابری زن و مرد و خواست رفع هر گونه تبعیض علیه زنان است. امسال نیز باید بندی مهمی از قطعنامه های اول مه همین خواست باشد و زنان نیز نیروی فعال اعتراض در ایران روز باشند. باید برای از بین بردن هر گونه جداسازی جنسیتی در محیط های کار و زندگی پا به عرصه مبارزاتی گذاشت و پاسخ دندان شکنی به رژیم اسلامی داد باید قوانین تبعیض آمیز در استخدام زنان برجیده شود. زنان به دلیل زن بودن همیشه در صف اول لیست اخراج های رژیم قرار دارند، باید به اخراج زنان به هر بهانه ای پایان داده شود. دستمزد برابر در مقابل کار مساوی با مردان حق مسلم زنان است. زن را از محیط کار بیرون میکنند و بعد هم به شکلهای دیگر و تحت عنوان دور کاری و در خانه با حداقل دستمزد و بدون هیچ حق و حقوقی از نیروی کارش استفاده میکنند. با این شکل از کار خوشحالند که



اسلامشان نیز رعایت شده و زن را از چشم "تامحرمان" دور نگاهداشته اند. باید به این بربریت خاتمه داده شود. زنان باید موقع زایمان و شیردهی و شیرخوارگی کودکانشان از تسهیلات لازم برای ادامه فعالیت اجتماعی همانند مهد کودک و مرخصی و تعطیلات لازم با حفظ امنیت شغلی شان برخوردار باشند. ومهمتر از همه باید به پوشش اجباری و حجاب زنان در موقع کار، که خود موجب بروز حوادث کاری است. زنان باید در کلیه عرصه های اجتماعی، سیاسی فرهنگی از حقوق برابر با مردان برخوردار باشند. اینها خواستهای فوری زنان و کل جامعه در ایران است. رهایی زن رهایی کل جامعه است. رهایی زن امر فوری کل طبقه کارگر و کل جامعه است. در جامعه آزاد و برابر و انسانی، در جامعه سوسیالیستی زن و کل انسانها از قید هر نوع ستم و بردگی رها میشوند. قطعنامه اول مه باید کیفرخواستی علیه توحش سرمایه داری و برای رهایی انسان باشد.*

زنده باد یک مه

زنده باد همبستگی زنان و مردان کارگر آزادیخواه و برابری طلب



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker Communist Party of Iran
www.wcpiran.org

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

بیانیه اعلام موجودیت

از نظر همه مذاهب، اسلام و حکومت های اسلامی زنان منبع فتنه تلقی میشوند . امروز و به این وسیله ما آغاز به فعالیت "فتنه - جنبش برای رهایی زن" را اعلام می کنیم.

فتنه يك حرکت اعتراضی است در دفاع از آزادی، برابری و سکولاریسم و علیه:

- قوانین و سنتهای ضد زن در همه جوامع

- زن ستیزی مذهبی و بویژه قوانین شریعه و تعرض نیروهای اسلامی به حقوق و حرمت زن

- خشونت نسبت به زنان

- تابوها و تعصبات فکری و فرهنگی و اخلاقی و مذهبی علیه زنان

- بردگی جنسی زن، تجارت زنان و دختران توسط باند ها و مافیای سکس

- حجاب اجباری و آپارتاید جنسی

جنبش برای رهایی زن بویژه "فتنه" ای است علیه حکومت اسلامی ضد زن در ایران و علیه همه جریانات اسلامی در همه جا!

ما همه مبارزین برای آزادی و رهایی زن را به حمایت فعال از این حرکت فرا میخوانیم!

امضاها:

- ۱- آدام له وبلاگ نویس ، آتیسم در روز روشن، آمریکا
- ۲- آماندا براون، ما آتیسم هستیم، منافع و حمایتهای آتیسم، آمریکا
- ۳- آمینا تایلر، فمن - تونس
- ۴- آنی سوگیر، مسئول نهاد بین المللی حقوق زنان- فرانسه
- ۵- آرمین نوابی ، موسس جمهوری آتیستی - کانادا
- ۶- آگوستو برکشیر سخنگو و فعال آتیسم ، معاون قبلی رئیس جبهه انترناسیونال آتیستی - آمریکا
- ۷- آویجت روی، گرداننده برنامه موکتو مانا، نویسنده ماتریال علمی و فعال آتیستی - بنگلادش
- ۸- ابراهیم عبدالله بنیانگذار نهاد مسلمیش- آمریکا
- ۹- ابن وراق ، نویسنده، آمریکا
- ۱۰- افسانه وحدت، هماهنگ کننده کمپین بین المللی حقوق زنان ایران
- ۱۱- ادیت روبین اشتاین زنان

سیاهپوش- بلژیک

سولیدارتهی، انگلیس

- ۱۲- الی ویه را آروجو جبهه اومانسیتهای سکولار برزیل، برزیل
- ۱۳- اشتازا سازوویک شبکه زنان سیاهپوش از بلغراد و صرب، صربستان
- ۱۴- استفن لاو کشیش، مرکز تحقیقات- انگلیس
- ۱۵- استیو چین مسئول نهاد اومانسیتهای اسکاتلند، انگلیس
- ۱۶- اینا شوچنکو ، سخنگوی نهاد فمن، فرانسه
- ۱۷- بابک یزدی ، مسئول نهاد خاوران - کانادا
- ۱۸- بهرام سروش ، فعال حقوق مدنی، انگلیس
- ۱۹- بهروز مهرآبادی، سردبیر نشریه هفتگی انترناسیونال
- ۲۰- بیل لیگرتفود مرکز کاملوپس برای اندیشه منطقی- کانادا
- ۲۱- پاتریشیا سپهرد روگرس معاون رئیس سازمان اومانسیتهای انگلیسی، انگلیس
- ۲۲- پتی دبونیتا ایران

- ۲۳- پتر تاچل مسئول بنیاد پتر تاچل، انگلیس
- ۲۴- تسلیمه نسرین نویسنده بنگلادشی، هند
- ۲۵- تری ساندرسن مسئول سازمان سکولاریستهای انگلیس، انگلیس
- ۲۶- توم فلین مسئول سازمان سکولارهای اومانیسیت، آمریکا
- ۲۷- ثریا. ال چملا نویسنده و فعال سیاسی، آمریکا
- ۲۸- جاهید کایا مسئول سایت اخبار اومانیسیتی - اطریش
- ۲۹- جاسک تاییز، مسئول نهاد لهستانی منطقگرا، لهستان
- ۳۰- جلیل جلیلی عضو نهاد اکس مسلم انگلیس، انگلستان
- ۳۱- جان دونه لی مسئول کنفرانس قدرتمند کردن زنان از راه سکولاریسم، ایرلند
- ۳۲- جایا گوپال هماهنگ کننده کمیته بین المللی دفاع از آزاداندیشی در هند، هندوستان
- ۳۳- جبرئیل عثمان جنبش آتیسیت ها و سکولاریستهای

سومالی، هلند

- ۳۴- جون پرکینز مسئول حزب سکولار استرالیا، استرالیا
- ۳۵- جوش کوچینسکی سخنگوی بین المللی اومانسیتهای مرکز لندن، انگلیس
- ۳۶- جولی بیندل، نویسنده، انگلیس
- ۳۷- جمیله بن حبیب نویسنده و سیاستمدار، کانادا
- ۳۸- حمید تقوایی لیدرحزب کمونسیت کارگری ایران
- ۳۹- خلیل کیوان مسئول تلویزیون کانال جدید، سوئد
- ۴۰- داریو پیکیاو هنرپیشه ، فیلمساز و مدافع حقوق انسان از گروه "همه" - ایتالیا
- ۴۱- داوید نیکولس مسئول نهاد آتیست های استرالیا - استرالیا
- ۴۲- داوید سیلورمن مسئول نهاد آتیست های آمریکا - آمریکا
- ۴۳- دوبرا کوپریبرگ، فعال حقوق مدنی، بلژیک
- ۴۴- درک لنارد هماهنگ کننده کمپین ونهاد آتیسیت های هم جنسگرا - انگلیس
- ۴۵- دی پی آر جونز شوی ساندوویچ سحر آمیز، آمریکا
- ۴۶- دیا احمد عضو پارلمان جوانان عراق و دبیر نهاد دانش آموزان و جوانان از عراق
- ۴۷- راحل راضا مسئول نهاد "مسلمانان در مقابله با فردا" ، کانادا
- ۴۸- ریحان رشید وبلاگ نویس و عضو فوروم بین المللی استراتژی جنایی و جبهه وبلاگ نویسان بنگلادشی، انگلیس
- ۴۹- ربکا واتسون ، موسس نهاد سکپچیک- آمریکا
- ۵۰- راینوت سوندر دورپ مسئول مرکز تاریخی اومانسیتهای، هلند
- ۵۱- رضا مرادی، فعال سیاسی، انگلیس
- ۵۲- ریگولوس، جامعه آته نیستههای لبنان- لبنان
- ۵۳- رنه بلانچتون زنان سیاهپوش، فرانسه
- ۵۴- رفیق محمود فعال سیاسی،

اندونزی

- ۵۵- ریچارد داوکینز موسس بنیاد ریچارد داوکینز برای علم و منطق- انگلیس
- ۵۶- روبرتو مالینی، شاعر، نویسنده و مدافع حقوق انسان، عضو نهاد بین المللی دفاع از حقوق بشر، ایتالیا
- ۵۷- رومان رومه آتیسیت از کردستان ، کردستان عراق
- ۵۸- رونال آ لیندسی مسئول مرکز تحقیقات- آمریکا
- ۵۹- روسل بلاکفورد نویسنده و فیلسوف، استرالیا
- ۶۰- زری اصلی، کمپینر مدافع حقوق زنان- کانادا
- ۶۱- زهره صفایی ، سازمان جوانان کمونسیت ، ایران
- ۶۲- سزار ماروتی مسئول نهاد آتیست های رومانی ، رومانی
- ۶۳- سیما بهاری فعال مدافع حقوق زن ، سوئد
- ۶۴- سعاد بابا عایشه مسئول انجمن برای برابری، برابری جنسیتی و سکولاریسم در الجزایر، فرانسه - فرانسه
- ۶۵- سوگند علیخانی ، سازمان جوانان کمونسیت ، ترکیه
- ۶۶- سهیلا شریفی فعال مدافع حقوق زن ایرانی، انگلیس
- ۶۷- سو کاکس موسس نهاد صدای بازماندگان اروپا، انگلیس
- ۶۸- سیامک بهاری سر دبیر نشریه حقوق کودکان الان ، سوئد
- ۶۹- سیاوش شهابی سازمان جوانان کمونسیت، ترکیه
- ۷۰- سمیه آللو ژورنالیست الجزایری، فرانسه
- ۷۱- سمیر نوری مسئول کمیته علیه اعدام در عراق، عراق
- ۷۲- شاهین نجفی هنرمند آثارشیست مستقل، آلمان
- ۷۳- شلی سگال خواننده و ترانه ساز استرالیا
- ۷۴- شهلا داناشفر، آزادشان کنید! کمپین آزادی کارگران زندانی از ایران، انگلیس
- ۷۵- شهناز مرتب سازمان دهنده

بیانیه اعلام موجودیت

از صفحه ۱۲

کمپین دفاع از حقوق زنان و مسئول فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی آلمان، آلمان

۷۶- شیرین شمس، سازمان جوانان کمونیست، سوئد

۷۷- شیشیر تادانی نویسنده، هند

۷۸- شیوا محبوبی فعال دفاع از حقوق زنان، انگلیس

۷۹- شیکو هوجینسون سردبیر زنان سیاهپوست و شکاکان سیاهپوست- انگلیس

۸۰- صفیه لیدی موسس نهاد سرکش فرانسه

۸۱- طارق فتاح نویسنده، کانادا

۸۲- طارق موسی نویسنده افریقای جنوبی

۸۳- عبدال گلپریان، فعال کارگری، فنلاند

۸۴- عصام شکری مسئول نهاد مدافع سکولاریسم و حقوق مدنی در عراق- کانادا

۸۵- عماد ادینه حبیب، موسس سازمان اکس مسلم مراکش-

۸۶- غلام مصطفی لاخو، وکیل مدافع دادگاه عالی پاکستان، پاکستان

۸۷- فیضل سعید ال موتار موسس عراقی نهاد بین المللی جنبش اومانیستهای سکولار- امریکا

۸۸- فریبرز پویا مسئول نهاد اکس مسلم در انگلیس و نهاد سکولاریستهای ایران - انگلیس

۸۹- فریده آرمان مسئول نهاد دفاع از حقوق زنان - سوئد

۹۰- فرزانه حسن، نویسنده، کانادا

۹۱- کارلوس آدیاز مسئول جبهه انترناسیونال آتستی، آرژانتین

۹۲- کاسپین کاوالرا کنفدراسیون آتست های ایرانی - انگلیس

۹۳- کادی بیژنی نهاد آتستیهای لبنانی، لبنان

۹۴- کلیو آروده سازمانده

آتستیست های سیاهپوست - انگلیس

۹۵- کارین فوگل پل، معلم، پداگوگ- آلمان

۹۶- کارل کارینادی بنیانگذار نهاد آتستیستهای اندونزیایی، اندونزی

۹۷- کیت اسمورتوایت، طنزپرداز، انگلیس

۹۸- کتی هیچمن - گریلینگ، نویسنده، انگلیس

۹۹- کیوان حسین نژاد سازمان جوانان کمونیست، سوئد

۱۰۰- کیوان جاوید، فعال سیاسی - انگلستان

۱۰۱- کیان آذر، سازمان جوانان کمونیست، سوئد

۱۰۲- کوآردیا دریچه، فمینیست بلژیکی-الجزایری، بلژیک

۱۰۳- گابی اشمیت فعال، آلمان

۱۰۴- گیتی تادان، نویسنده، هند

۱۰۵- لاورا گویده تی، مجله ماری ریویو، ایتالیا

۱۰۶- لیود نویسون مسئول تئاتر - دی- وی ۸- انگلیس

۱۰۷- لوئیز میلوکس نویسنده و فعال سکولار، کانادا

۱۰۸- مارگارت کوروتو- انگلیس

۱۰۹- مهین علیپور مسئول نهاد علیه تبعیض، سوئد

۱۱۰- مهین درویش روحانی، فعال مدافع حقوق زن، آلمان

۱۱۱- مارتا جین بیکر سازمان بین المللی زنان مدافع صلح و آزادی، انگلیس

۱۱۲- مریم جمیل سازمان دفاع از حقوق زن در عراق

۱۱۳- مریم نمازی سخنگوی علیه تبعیض سازمان دفاع از حقوق زن، یک قانون برای همه و اکس مسلم، انگلیس

۱۱۴- ملودی هنسلی دبیر کل مرکز تحقیقات اندیشه آزاد و سازمانده کنفرانس سالانه زنان و سکولاریسم- آمریکا

۱۱۵- مرسده قاضی زندانی سیاسی سابق از ایران، انگلیس

لبنان

۱۳۴- هارولد والتر کوروتو برنده جایزه نوبل شیمی، انگلیس

هارتموت کراوس نویسنده، آلمان

۱۳۵- هلن پالمیر، مسئول اومانیستهای مرکز لندن، انگلیس

۱۳۷- یولاندا رویلر زنان سیاهپوش- اسپانیا

برای اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید:

مینا احدی
+49 (0) 1775692413

کیوان جاوید
+44 (0) 7861476869

به زنان سرخپوش مریوان به مردم آزاده مریوان

از صفحه ۹

مدرنیته و احترام به انسان و زندگی و رنگ و شادی و برابری بر زندگیها حاکم است و نه سیاهی و تباهی و جنایت و نفرت و اسلام!

از جنبش زنان سرخپوش مریوان و از مبارزات مردم مریوان دفاع کنید. علیه رفتار تحقیر آمیز حکومت اسلامی بر علیه زنان و همچنین تحقیر زندانیان و جوانان و "مجازاتهای" قرون وسطایی باید به خیابان رفت و از حقوق و حرمت زنان و همچنین حقوق و حرمت زندانیان، "متهمین" و جوانان در ایران دفاع کرد. حکومت اسلامی ایران را با دستگاه قضایی و سیستم حقوقی و فرهنگ و اخلاقیات و قوانین ضد زن و ضد انسانی اش باید به زباله دان انداخت. اینها نماینده سیاهی و تباهی و مرگ و عقب ماندگی و ارتجاع مطلق اند و هر چه زودتر باید گورشان را گم کنند.

مینا احدی

۱۹ آوریل ۲۰۱۳

Mina Ahadi
1775692413 (0) 0049
minnaahadi@gmail.com
minaahadi-iran.blogspot.co.uk

stopstonningnow.com
nofonemoreexecution.org
ex-muslim.de

دعوت میکنند کمک کنند و مردان در این شهر نه فقط به حرکت اعتراضی زنان در خیابان ملحق میشوند بلکه در یک حرکت اعتراضی تعدادی از مردان در سایتهای اینترنتی عکس خود را در حالیکه لباس زنانه بر تن دارند منتشر میکنند و میگویند، زن بودن ابزار تحقیر و تنبیه هیچکس نیست، از حرمت زنان دفاع کنید!

امروز جمعه از مریوان خبر میرسد که شهر کماکان متشنج است و مردم در صدد برگزاری میتینگهای بزرگتر هستند. زنان سرخپوش مریوان یک سایت فیس بوکی دارند و اخبار را از این طریق منتشر میکنند.

جمهوری اسلامی ایران دست به هر کاری میزند، فوران اجتماعی یک جنبش و جامعه ای را می بیند که تشنه آزادی و برابری و انسانیت است، جامعه ای را تجربه میکنند که مترصد فرصت است تا تکلیف این مجانبین قرون وسطایی را روشن کند و بر ویرانه های این حکومت جامعه ای بنا نهد که در آن

اعدام نه نفر در یک روز در شیراز اتهام همه این جوانان، حمله به بانکهای حکومت اسلامی و "دزدی" بود.

دزدان میلیاردی دلار پول و چپاول کنندگان ثروت و مکننت مردم به راحتی جولان میدهد و رجز میخوانند و حکومتشان با قتل فجیع نه نفر در یک روز و در یک شهر، به مردم گرسنه و اسیر فقر و نداری و مترصد حمله به حکومت، چنگالهای خونین اش را نشان میدهد.

حکومت بعد از کشتن بیرحمانه نه جوان اعلام کرد: این چنین از امنیت دفاع میکنیم! این افراد به چندین بانک حمله کرده و پول برده اند! پرونده های این افراد با سرعت و در سه ماه مورد بررسی قرار گرفت و به سرعت اعدام شدند!

آری این حکومت اسلامی ایران است. در حالیکه روزی نیست خبر دزدیهای کلان مقامات حکومتی را نشنویم و در حالیکه یک مشت

جنایتکار و قاتل حرفه ای، همچون زالو به جان مردم افتاده و پول و ثروت و امکانات این مردم را چپاول میکنند، حکومت اسلامی ایران در دور جدید "فعالیتهايش" بعد از تعطیلات نوروزی، در یک روز ۹ نفر را در شیراز به قتل میرساند و سپس بر بالای سر پیکر اعدام شدگان با وقاحت رجز میخواند که با بهم زندگان امنیت جامعه همین رفتار را خواهیم کرد! این قتل و آدمکشی احتمالاً در شهرهای دیگر ادامه خواهد یافت و یک زنگ خطر جدی تر برای همه سازمانهای علیه اعدام و همه مخالفین حکومت اسلامی ایران و مخالفین جنایت و رذالت اسلامی است. ما باید متحدانه علیه این خونریزی وحشیانه و گسترده علیه مردم گرسنه پیا خواسته و کاری بکنیم.

معاون دادستان حکومت اسلامی میگوید: اعدام شدگان به بانکهای مهر ایرانیان بندرعباس، بانک تجارت شهرک حافظ، بانک تجارت بهشتی صادرات و بانک رفاه و ... حمله کرده و پول برده اند. او میگوید: برای "خشکاندن ریشه نا امنی و اعمال مجرمانه" امروز ۹ نفر را اعدام کردیم. حتی اگر پرونده سازی حکومت اسلامی و این اتهامات را قبول کنیم، حکومت برای حفظ امنیت بانکهایش به قتل گرسنگان دست میزند.

سایت فارس نیوز وابسته به سپاه پاسداران و دزدان حرفه ای و قاتلین حکومتی، با افتخار مینویسد که با حضور مقامات قضایی و انتظامی چند "دزد" به دار "مجازات" آویخته شدند.

امروز حکومت اسلامی ایران نه نفر را به قتل رساند. این جنایت وحشیانه با حضور مقامات این حکومت در شهر شیراز و همچنین در زندان عادل آباد انجام شد. حکومت اسلامی ایران حتی از اعلام اسامی کشته شدگان ابا دارد.

اصغر بلازک معاون دادستان جنایتکاران اسلامی میگوید حوالی ساعت شش صبح دو نفر در خیابان شهید فرزذقی روبروی بانک صادراتی که مورد سرقت قرار گرفته بود، اعدام شدند، دو نفر دیگر نیز در میدان پیام ساعت یک بعد از ظهر اعدام شدند که جرم آنها نیز سرقت از بانک بود و سه نفر به اتهام "تجاوز و سرقت مسلحانه" از باغهای اطراف شیراز در زندان عادل آباد اعدام شدند.

آری این حکومت الله بر روی کره زمین است که با چنین شقاوت و بیرحمی میکشد. اما چه کسی است که نداند حکومت اسلامی ایران در یک بن بست کامل و در سرایشی کامل قرار گرفته و از وحشت حمله گرسنگان به تمام دم و دستگاه

حکومت اسلامی تلاش میکند تا با حمله به اعراب خوزستان فضای نظامی و امنیتی را به همه مردم ساکن در این استان تحمیل کرده و از فوران اعتراضات مردم در این منطقه جلوگیری نماید.

اعتراض به دستگیریهای اخیر و ابراز همبستگی با مردم عرب زبان از سوی سایر ساکنان خوزستان میتواند این سیاست رژیم اسلامی را خنثی کند. همبستگی و اعتراضات مشترک مردم با هر زبان و یا هر هویت کاذب ملی و مذهبی که برایشان ساخته اند، میتواند زمینه را برای گسترش اعتراضات اجتماعی و اعتصابات گسترده کارگری در این منطقه فراهم آورد. حزب کمونیست کارگری قتل مرتضی سولیدی و دستگیری مردم خوزستان را شدیداً محکوم میکند و از مردم در سراسر کشور بویژه مردم خوزستان میخواهد به هر شکل که میتوانند همراهی و همبستگی شان را با مردم عرب زبان

در همبستگی با مردم عرب زبان خوزستان ۲۵۰ نفر از مردم عرب زبان خوزستان دستگیر شده اند اوباش رژیم نوجوان ۱۵ ساله اهوازی را به قتل رساندند

طی هفته های گذشته جمهوری اسلامی حمله وسیع و متمرکز را به جوانان و فعالین عرب زبان خوزستانی شروع کرده و تاکنون بیش از ۲۵۰ نفر را دستگیر کرده است. این دستگیری ها با توجه به احتمال تجمعات و تظاهرات در مناطق عرب نشین خوزستان در سالگرد اعتراضات ۲۶ فروردین ماه سال ۸۴ در این استان صورت گرفته است. دستگیریها اکثراً شبانه توسط اوباش نیروی انتظامی و امنیتی صورت گرفته است.

علاوه بر این دستگیری ها، روز جمعه ۲۳ فروردین ماه ماموران تخریب شهرداری و نیروهای انتظامی برای تخریب منازل خارج از محدوده

به منطقه سید موسی در اطراف اهواز حمله کرده و نوجوان ۱۵ ساله ای به نام مرتضی سولیدی در اثر تیراندازی نیروهای انتظامی به قتل رسیده است. طی روزهای گذشته همچنین نیروهای امنیتی با حمله به مراکز فرهنگی در شهرهای اهواز، سوسنگرد و ماهشهر تعدادی از جوانان معترض، معلمان و هنرمندان عرب زبان را دستگیر کرده اند.

طبق گفته خانواده های دستگیر شدگان، بسیاری از این افراد به بازداشتگاه "عملیات کارون" که از جمله مخوف ترین بازداشتگاههای امنیتی در شهر اهواز به شمار میرود

انتقال داده شده اند. دستگیر شدگان مورد ضرب و شتم ماموران قرار گرفته و در شرایط بسیار نامناسبی به سر میبرند. طبق گزارشات، در بازداشتگاههای مختلف شهر اهواز بسیاری از این افراد تحت شکنجه های جسمی و روحی قرار دارند.

هدف حکومت اسلامی از این دستگیریها، علاوه بر سرکوب مردم معترض عرب ساکن خوزستان، حاکم کردن فضای سرکوب و اختناق در استان خوزستان به عنوان یکی از مراکز مهم اعتراضات کارگری و توده ای است. با گسترش هر روزه فقر و فلاکت اقتصادی و روند رو به گسترش اعتراضات اجتماعی،

حکومتی نگران است. آنها از شورش گرسنگان میترسند و چنین چنگالهای خونین خود را نشان میدهند. اما کدام دیکتاتور و فاشیست اسلامی و یا غیر اسلامی را جنایت نجات داده که اینها دومی باشند. دور نیست روزی که مردم عاصی و بجان آمده دسته جمعی به خیابانها آمده و بساط این حکومت را در هم بپینند.

کمیته بین المللی علیه اعدام با محکوم کردن شدید قتل نه جوان در شیراز، از همگان دعوت میکند که علیه این موج وحشیانه آدمکشی متحدانه و فعالانه تر اقدام کنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۶ آوریل ۲۰۱۳

Mina Ahadi
0049 (0) 1775692413
minnaahadi@gmail.com
minaahadi-iran.blogspot.co.uk

stopstonningnow.com
notonemoreexecution.org
ex-muslime.de

نشان دهند و خواهان آزادی فوری کلیه دستگیر شدگان و زندانیان سیاسی بشوند.

حزب کمونیست کارگری همچنین از مردم آزادیخواه میخواهد که در مقابل فرقه های مذهبی و ناسیونالیستی که به شکاف و نفرت میان مردم عرب زبان و غیر عرب زبان دامن میزنند و مانع اتحاد مردم در مقابل جمهوری اسلامی میشوند، بایستند. دعوی بین "عرب و عجم" که ساخته و پرداخته ناسیونالیسم ایرانی و عربی است و جمهوری اسلامی و سایر رژیم های حاکم بر ایران در توجیه خود و تحمیل فقر و فلاکت بر مردم از آن استفاده کرده اند امروز هم کاملاً در خدمت جمهوری اسلامی و ایجاد تفرقه بین مردم در مبارزه آنها علیه جمهوری اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ فروردین ۱۳۹۲
۱۸ آوریل ۲۰۱۳

۲۵ آوریل روز جهانی دفاع از وبلاگ نویسان آنتیست بنگلادشی

جامعه متشنج است و درگیریها به خیابان کشیده شده است،
در یکطرف اسلامیها در طرف دیگر دانشجویان و جوانان و طرفداران آزادی عقیده و بیان!

و اسلام و سکولاریسم دفاع کند. دولت بنگلادش به حمله به وبلاگ نویسان و بستن سایتها اقدام کرده و در مورد جنایاتی که هم اکنون اسلامیها علیه وبلاگ نویسان سازمان داده و در همین سال ۲۰۱۳ حداقل دو وبلاگ نویس آنتیست را در خیابان کشته اند، کاری نکرده است.

امروز جمعه ۱۲ آوریل فراخوان یک حرکت جهانی از سوی دهها نفر از شخصیت های سرشناس بین المللی داده شده و یک طومار اعتراضی نیز برای امضا کردن در دسترس همگان است. قرار است روز ۲۵ آوریل در همه جا به خیابان رفته و در مقابل کنسولگریها و سفارت خانه های بنگلادش تجمع کنیم. از جوانان در ایران و از وبلاگ نویسان دعوت میکنیم در این حرکت سهیم و شریک شوند. لینک فراخوان:

<http://freethoughtblogs.com/maryamnamazie/2013/04/11/on-25-april-2013-we-stand-with-bangladeshi-bloggers-and-activists/>

مینا احدی

۱۲ آوریل ۲۰۱۳

وبلاگ محی الدین یکی از پربیننده ترین وبلاگها در بنگلادش بود. او یک منتقد معروف اسلام و مذهب در دنیا بود.

در صفحه اول وبلاگش نوشته بود "به نام تو که ظاهرا خالق دنیا هستی ولی در عمل هیچ چیز نیستی! تو اصلا وجود نداری"

او اسلام و رفتار وحشیانه سازمانهای اسلامی را نقد میکرد. این حملات به وبلاگ نویسان در بنگلادش بسیار گسترش یافته است.

هفته قبل در بنگلادش اسلامیها به یک تظاهرات خیابانی دست زدند و در آن برای همه کسانی که بقول آنها به پیغمبر و اسلام توهین میکنند، تاقاضای اعدام کردند. از جمله برای ۸۴ وبلاگنویس ضد اسلام، در مقابل این تجمع خیابانی اسلامیها هزاران دانشجو در بنگلادش به خیابان رفته و یک درگیری وسیع در خیابانهای پایتخت راه افتاد که حداقل ۲۰۰ نفر در این درگیریها زخمی شدند.

جامعه بنگلادش در مورد آزادی بیان و جنایتکاری اسلامیها کاملا متشنج است. در این اوضاع بسیار مهم است که دنیا از حق آزادی بیان و از جنبش نقد مذهب



این عکس آصف محی الدین است. وبلاگ نویس جوان و منتقد اسلام که خود را آنتیست میلیتانت نام نهاده بود. او را ژانویه ۲۰۱۳ کشتند.

میگوید به او حمله شده ولی تایید نمیکنیم که اسلامیها بوده اند. حمله کنندگان در نزدیک محل کار او منتظر او بودند و او به محض خروج از محل کارش مورد حمله قرار میگیرد و سپس کشته شد.

۱۴ ژانویه هنگامی که از سر کار به خانه برمیگشت از سوی چند مرد ناشناس مورد حمله قرار گرفت. دفتر کار او در داکا بود پزشکان روز سه شنبه ۱۵ ماه ژانویه به خبرنگاران بین المللی گفتند که سه ساعت است داریم او را عمل جراحی میکنیم ولی هنوز از خطر نجات نیافته است او شش زخم عمیق دارد و زخمها نشان میدهد قصد حمله کنندگان به قتل رساندن وی بوده است. اینترا جراح محی الدین به خبرگزاری فرانسه گفته بود.

دوستان او که در هنگام حمله به محی الدین شاهد بودند میگویند اسلامیها به او حمله کردند. پلیس به خبرنگاران خارجی

بسیار مهم است در دنیا با صدای بلند از آنتیست ها و وبلاگنویسان منتقد اسلام دفاع کنیم.

فراخوان ما به وبلاگ نویسان ایرانی اینست که از این حرکت ۲۵ آوریل بهر طریق ممکن دفاع کنید. در سال ۲۰۰۴ در آلمان اخبار حاکی از مرگ یک شاعر بنگلادشی در یک بیمارستان آلمان بود. او

همایون آزاد نام داشت و یک شاعر و فرهنگ شناس بنگلادشی بود. همانزمان گفتند که او از طرف یک سازمان اسلامی در سال ۲۰۰۴ مورد حمله قرار گرفته و برای معالجه به آلمان منتقل شده بود. و بعدا در آلمان در یک بیمارستان درگذشت.

۱۵ فوریه احمد رجب وبلاگ نویس مترقی در بنگلادش به قتل رسید. جنایتکاران اسلامی سر او را از تنش جدا کردند و از این طریق خواستند جوانان منتقد اسلام را بترسانند و در مقابل جنبشی بایستند که سراسر بنگلادش را در بر گرفته است. او منتقد سرسخت اسلام و جنبش اسلامی بود. جسد او در نزدیک خانه اش در داکا پیدا شد. پلیس گفت این یک قتل بوده و او را کشته اند. دوستانش گفتند او سازمانده اصلی یک میتینگ بزرگ ضد اسلامی علیه حزب جماعت اسلامی در بنگلادش بود و روز بعد از این میتینگ به قتل رسید. برادرش میگوید او بارها از سوی اسلامیها تهدید به مرگ شده بود. مردم خشمگین از قتل او در

مراسم بزرگ وداع با او شرکت کرده و علیه اسلامیها شعار دادند. او در پایتخت بنگلادش با چاقو زخمی شده بود. آصف محی الدین ۲۹ سال سن داشت. دوشنبه



تجمع اعتراضی ۱۲۰ کارگر معترض ذوب آهن زاگرس کردستان، درمقابل فرمانداری قروه

روز سه شنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۲۰ نفر از کارگران ذوب آهن زاگرس کردستان به نمایندگی از طرف ۲۶۰ تن از کارگران این کارخانه در مقابل فرمانداری شهر قروه دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران ذوب آهن زاگرس مدت سه ماه است که دستمزدی دریافت نکرده و مدت یک ماه است که کارخانه با خطر تعطیلی روبرو شده است. کارگران علاوه بر اعتراض به عدم دریافت دستمزدهای معوقه، نگران از تعطیل شدن کارخانه و از دست دادن شغلشان هستند. کارخانه ذوب آهن زاگرس زیر نظر تامین اجتماعی است. دست اندر کاران ذوب آهن زاگرس بعد از تعطیلات نوروزی طی ابلاغیه ای مانع ورود

کارگران به کارخانه شده و به آنها اعلام کرده اند که تا پایان فروردین نیز بر سر کار حاضر نشوند تا به آنها اطلاع داده شود. دستمزدهای زیر خط فقر و چندین ماه پرداخت نشده همراه با تعطیلی کارخانه و موج بیکارسازیها و صدها بی حقوق دیگر، تداوم شرایط مشقت باری است که دولت، سرمایه داران و صاحبان کار به کارگران تحمیل کرده اند. نباید در مقابل این اجحافات ساکت نشست. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری از کلیه کارگران ذوب آهن زاگرس می خواهد که به همراه همسران و سایر اعضای خانواده متحدانه به تجمعات اعتراضی برای دریافت

حقوق خود ادامه دهند. دستمزدهای معوقه و زیر خط فقر درد مشترک تمام بخشهای مختلف کارگری است. اول مه یازده اردیبهشت نیز فرصتی است که در صفا متحد و قدرتمند خواستها و مطالبات برحق خود را فریاد بزنیم. تنها با اعتراضات و تجمعات گسترده و متحدانه است که می توان حق و حقوق خود را از گلوئی دولت و سرمایه داران دزد، فاسد و مفتخور بیرون بکشیم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ آوریل ۲۰۱۳
۲۸ فروردین ۹۲

زندانیان سیاسی با شعار مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر، به یورش مزدوران حکومت اعتراض کردند

طبق گزارشات منتشر شده، عصر روز چهارشنبه ۲۸ فروردین ماموران گارد ضد شورش، به زندانیان سیاسی در سالن ۱۲ بند ۴ زندان رجائی شهر یورش برده و زندانیان را مورد فحاشی و توهین قرار دادند.

این حمله بعد از ظهر روز چهارشنبه و پس از ملاقات زندانیان با خانواده هایشان صورت گرفت. ماموران اقدام به تخریب لوازم زندانیان کردند و تلاش میکردند تلفن های تماس زندانیان با بیرون زندان را از آنها بگیرند. در جریان این یورش نامق محمودی، ۶۳ ساله را شدیداً مورد حمله قرار داده و بشدت او را مضروب کردند. یورش مزدوران

رژیم با واکنش تند زندانیان سیاسی مواجه شد. زندانیان سیاسی در مقابل مزدوران دست به اعتراض زدند و با شعارهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر به مقابله با آنها پرداختند و سپس در مجمع عمومی خود تصمیم گرفتند که در اعتراض به رفتار وحشیانه مامورن و مستولان زندان به مدت سه روز از تحویل غذای زندان خودداری کنند.

حزب کمونیست کارگری یورش مزدوران حکومت به زندانیان را شدیداً محکوم میکند و به زندانیان سیاسی و شهامت آنها درود میفرستد. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی

یک مساله محوری در مبارزه مردم علیه حکومت سرکوبگر و منحوس اسلامی است. حزب کلیه مردم آزادیخواه را فرامیخواند که خانواده های زندانیان سیاسی را تنها نگذارند و همراه با آنها مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را هر چه بیشتر گسترش دهند. زندانیان سیاسی و عقیدتی باید فورا و بی قید و شرط آزاد شوند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ فروردین ۱۳۹۲
۱۸ آوریل ۲۰۱۳

۲۰ آوریل در دفاع از کارگران زندانی

افتد. این فرصت را برای تعرض بیشتر به حکومت فراهم میکند. با تمام قوا باید بپاخاست و برای آزادی فعالین کارگری و کلیه زندانیان سیاسی دست به مبارزه زد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری همه مردم شریف و آزاده و همه مدافعین حقوق کارگر در کشورهای مختلف را فرامیخواند که روز شنبه ۲۰ آوریل در آکسیون هائی که به این مناسبت اعلام میشود شرکت کنند و یا خود آکسیون هائی را به این مناسبت سازمان دهند و خواهان پایان دادن به اذیت و آزار فعالین و رهبران کارگری و آزادی فوری کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی شوند. باید فشار به جمهوری اسلامی را گسترش داد و زمینه را برای یک خیزش هرچه قدرتمندتر علیه حکومت فقر و سرکوب اسلامی آماده تر ساخت.

پیش به سوی یک مبارزه گسترده برای آزادی کارگران زندانی و پایان دادن به پرونده سازی علیه فعالین کارگری و اذیت و آزار آنها. پیش به سوی مبارزه برای شکستن درب زندانها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ آوریل ۲۰۱۳

فشار به فعالین کارگری همچنان ادامه دارد. امروز رضا شهابی را دوباره به زندان بردند و مرخصی بهنام ابراهیم زاده تمدید نشده است. هفته ای نیست که فعالی احضار یا دستگیر نشود. بسیاری از فعالین کارگری پرونده قضائی دارند و در مناسبت های مختلف احضار میشوند یا تحت انواع فشار قرار میگیرند. تعداد قابل توجهی از فعالین کارگری در سیاه چال های حکومت اسلامی هستند. اول مه نزدیک است و سرکوبگران برای جلوگیری از تجمعات و اعتراضات کارگران و مردم، فشار به فعالین کارگری را افزایش میدهند. میتوانیم و باید این وضعیت را تغییر دهیم.

دیگر برای همه آشکار است که جمهوری اسلامی ضربه پذیرتر و شکننده تر از همیشه است و در سالهای گذشته نیز مجبور به عقب نشینی های متعددی شده است. اگر هر مناسبتی برای سرکوبگران به معنی دستیگیری تعداد بیشتری از فعالین کارگری و فشار بیشتر به مردم است که جلو تعرض آنها را بگیرد، برای ما نیز این مناسبت ها فرصتی برای تعرض بیشتر به حکومت است. نمایش انتخابات رژیم نزدیک است و دعوای درونی اوباش حکومت حادثر میشود و هر دار و دسته ای در مقابل مردم بیشتر به کرنش می

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

نشست اعضای کمیته همبستگی بین المللی کارگری - ایران در سوئد با اتحادیه سراسری کارگران سوئد (LO)

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار و همه مراجع جهانی اخراج شود



گزارش دومین نشست اعضای کمیته همبستگی بین المللی کارگری - ایران در سوئد

ضمیمه:

**گزارش سیامک بهاری عضو کمیته همبستگی بین المللی کارگر- ایران ، سوئد
قطعه نامه اتحادیه سراسری کارگران مونتاز استرالیا**

بین المللی بدلیل نقض خشن حقوق اولیه کارگران و مردم بشود.

از جانب کمیته همبستگی بین المللی با کارگران ایران، یوران گوستاوسون، هوشیار سروش، فرامرز قربانی و سیامک بهاری شرکت کردند.

در این نشست آخرین اخبار مربوط به وضعیت کارگران زندانی و فشارهای رژیم اسلامی بر روی رهبران و فعالین و از جمله عدم موافقت با تمديد مرخصی رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده ، کتبا در اختیار اتحادیه سراسری کارگران سوئد قرار داده شد. در

ادامه صفحه ۱۸

ایزاکسون Leif Isaksson به نمایندگی از طرف اتحادیه سراسری کارگران سوئد (ال او) نتایج پیگیری مصوبات جلسه قبل را عنوان کرد.

۱- کارگران زندانی فوری به عضویت افتخاری اتحادیه کارگری سوئد درآیند.

۲- ال او امکان دعوت این کارگران به سوئد برای شرکت در یک کنفرانس بزرگ دفاع از کارگران ایران را بررسی کند.

۳- ال او به حضور نمایندگان حکومت اسلامی در سازمان جهانی کار اعتراض کند و خواهان اخراج آنان از این اجلاس گردد.

۴- ال او خواهان اخراج جمهوری اسلامی از همه نهادهای

روز دوشنبه ۱۵ ماه آوریل، به دعوت اتحادیه سراسری کارگران سوئد (LO)، دومین نشست این اتحادیه با هیات از اعضای کمیته همبستگی بین المللی کارگری - ایران در دفتر مرکزی این اتحادیه برگزار شد.

این نشست برای پیگیری موضوعات مطرح شده در جلسه بیستم فوریه در دفاع از کارگران ایران برگزار گردید.

این نشست برای پیگیری موضوعات مطرح شده از سوی کمیته همبستگی بین المللی کارگری با این اتحادیه در جلسه بیستم فوریه در دفاع از کارگران ایران برگزار گردید.

در ابتدای جلسه آقای لیف

تلاش اعضای خود در کشورهای مختلف تلاش دارد که صدای کارگران زندانی در ایران را به گوش جهانیان رساند و بیشترین همبستگی جهانی کارگری را از مبارزات کارگران و مردم ایران جلب کند. یک خواست مهم کمیته همبستگی بین المللی کارگری خواست اخراج رژیم اسلامی از سازمان جهانی کار و همه مراجع بین المللی و انزوای سیاسی آنست. کمیته همبستگی بین المللی کارگری با "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" برای آزادی فوری و بدون قید و شرط همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی تلاش میکند. کمیته همبستگی بین المللی کارگری- ایران

International Labour Solidarity Committee-Iran
Campaign to Free Jailed Workers in Iran (Free Them Now)
Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

۲۹ فروردین ۹۲

۱۸ آپریل ۲۰۱۳

روز دوشنبه ۱۵ ماه آوریل، به دعوت اتحادیه سراسری کارگران سوئد (LO)، دومین نشست این اتحادیه با هیات از اعضای کمیته همبستگی بین المللی کارگری- ایران در سوئد یوران گوستاوسون، فرامرز قربانی، سیامک بهاری و هوشیار سروش در دفتر مرکزی این اتحادیه برگزار شد. گزارش سیامک بهاری از این نشست ضمیمه است.

قبل از این نشست نیز بدنبال تلاش های ارسال ناظری عضو کمیته همبستگی بین المللی کارگری در کشور استرالیا قطعنامه ای از سوی اجلاس اتحادیه سراسری کارگران مونتاز در حمایت از کارگران زندانی و مبارزات کارگران ایران و با خواست آزادی فوری همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی در سطح جهانی داده شده بود که توسط اعضای کمیته همبستگی بین المللی کارگری- ایران به نشستی که ۱۵ آپریل با اتحادیه سراسری کارگران سوئد داشتند، ارائه شد.

کمیته همبستگی بین المللی کارگری - ایران با همکاری و

گزارش دومین نشست اعضای کمیته همبستگی بین المللی کارگری - ایران در سوئد

از صفحه ۱۷

پالمه انجام خواهد شد.

زندانی در نروژ گزارش کرد.

از دیگر اسناد ارائه شده به این نشست قطعنامه حمایتی کارگران مونتئاژ استرالیا با خواست بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار (آی ال او) و همه مراجع جهانی بود که مورد توجه این اتحادیه قرار گرفت. در این جلسه حول چگونگی اقدامات موثرتر در دفاع از کارگران زندانی به تفصیل مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و پیشنهادات متنوعی مطرح گردید. دفاع فوری از کارگران زندانی و خانواده های آنان همچنان ادامه خواهد داشت.

اعضای کمیته همبستگی بین المللی کارگری - ایران، سوئد

آقای لیف ایزاکسون اطلاع

داد، عضویت افتخاری بهنام ابراهیم زاده در اتحادیه کارگران ساختمانی در دست اقدام است. او گفت که حمایت مالی خانواده های کارگران زندانی را نهاد کمکهای انساندوستانه سوئد و سازمان عفو بین الملل برعهده و در دست بررسی دارند. در این زمینه نماینده سازمان عفو بین الملل آقای Bertil Ottoson از بررسی و تصمیم گیری در مورد این موضوع در لندن که شعبه اصلی آنست خبر داد.

آقای صادق کارگر از اتحادیه سراسری کارگران نروژ که به این جلسه دعوت شده بود، راجع به تلاش مشابه برای دفاع از کارگران

توضیحات از وضعیت وخیم جسمی نیما ابراهیم زاده فرزند بهنام ابراهیم زاده، رای دادگاه سندیج در مورد فعالین کارگری و اتحادیه آزاد کارگران ایران، شریف ساعد پناه و مظفر فلاحی اطلاعات بیشتری ارائه شد.

آقای سعید تقوی از اتحادیه ترانسپورت اطلاع داد که پذیرفتن عضویت افتخاری کارگران زندانی در جمهوری اسلامی پیگیری شده است. منصور اسانلو و رضا شهابی به عضویت افتخاری اتحادیه ترانسپورت در آمده اند. او همچنین خبر داد که برگزاری سمینار در دست اقدام است و باهماهنگی مرکز فرهنگی اولاف

Dear Comrade,

At its meeting of 26 & 27 March, the AMWU's National Council passed the following resolution:

*MOTION: National Council notes the report. Council:

- Expresses our solidarity with Iranian workers, and calls for the immediate and unconditional release of all jailed trade unionists and political prisoners in Iran.
- Condemns the Islamic regime of Iran for its persecution of worker activists and political dissidents.
- Supports the struggle of the workers and people of Iran for freedom, the right to organise and strike, and for welfare, equality, justice and a life of dignity.
- Calls for the international political isolation of the Islamic Republic Iran and its boycott at the International Labour Organisation (ILO) and all world bodies. CARRIED

The AMWU is very happy to offer support in your struggle.

We wish you well.

Yours in unity,



ANDREW DETTMER
NATIONAL PRESIDENT

Australian Manufacturing
Workers' Union
Registered as AFMEPWU
National Office
1-1-19

به نظر من کسی که نظام اقتصادی موجود را بهترین و ممکن ترین نظم می نامد، دارد به توحش خودش اعتراف می کند.

واقعیت این است که بویژه با نقد مارکس به سرمایه داری بشریت ضرورت و امکان پذیری یک نظام اقتصادی و اجتماعی برتر را اعلام کرده و حتی خطوط اساسی چنین جامعه ای را ترسیم کرده است. جامعه ای متکی بر برابری و آزادی کامل انسانها، جامعه ای مبتنی بر تلاش خلاقانه همگانی برای تامین نیازهای بشری، جامعه ای که در آن وسایل تولید دارایی مشترک همه مردم باشد.

جامعه ای بدون طبقات، بدون تبعیض، بدون کشور و بدون دولت مدتها است که مقدور است. خود سرمایه داری مقدمات مادی این نظام اقتصادی نوین را فراهم کرده است.

مارکسیسم و جهان امروز
منصور حکمت در مصاحبه با انترناسیونال -
اسفند ۱۳۷۰

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!